

حقیقت

۲۴ تیر ۱۳۵۶

شماره ۸۰۵

برگذشت زندگی یک جانباز ارتش
طبقه کارگر



اوضاع کنونی، خطر کودتا و وظایف ما

کات صلاح شمس برهان

اوضاع کنونی کشور و انقلاب ما سخت بحرانی و حساس می باشد و بیم آن می رود چنانچه چاره ای فوری و اساسی اندیشه نکرده، حاکمان گذشته با ردیگر بر ما مستولی شوند و انقلاب نابود شود.

اما میریالیسم آمریکا و ارتجاع زخم خورده پهلوی و همه عوامل و هم دستان آنها، مشغول سازمان دهی و تجهیز و تجدید قوا هستند و چندی است که آشکارا بقیه در صفحه ۲



راهپیمائی ضد وحدت!

بلوگران حزب جمهوری اسلامی (و)
همدستانان در پی چه هستند؟

بدنبال سخنرانی های اخیر آیت الله خمینی و دعوت آیت الله منتظری، راه پیمائی ارتجاعی جمعه ۱۳ تیرماه پیش از پیش ورشکستگی قشری گری و مشروع طلبی گروه های اسلامی دو آتشه

را نمودار ساخت. از دو میلیون و چند هزار نفری که در زمان قطع رابطه سیاسی با آمریکا و در زیر شعارهای خدا میریالیستی به خیابان های تهران آمده بودند، فقط بقیه در صفحه ۸

فاصله بین سرمایه داری و سوسیالیسم

دره عمیقی است که خاکستر کمونیستها

باید آنرا پر کنند

او همیشه به رفقایش میگفت: "آزادی خونبهای شهیدان است"

در صفحه ۱۱

اوضاع کنونی، ۰۰۰۰۰

ری تشکیل شده و تحت فرماندهی سازمان "سیا" به خرابکاری بر علیه انقلاب ماسفولند، اینها و دهها نمونه دیگر آشکارا

بقیه از صفحه اول

نشان میدهد که میریالیسم آمریکا و دستپرووردگان مزدور ایرانی اش در تدارک کودتا هستند و مترصد فرصتی میباشند تا مقاصد خود را عملی گردانند.

تدارک کودتا برای آنها فعالیت در دو عرصه را معنی میدهد. یکی سازماندهی و تجهیز و تجدید قوای خود و دیگری دام زدن و سوءاستفاده از نا رضایتیهای موجود بمنظور فراهم آوردن جواز ضروری جهت عملی گردانیدن کودتا. در عرصه اول، ایجاد و تقویت و تسرسن شبکه های کودتا گران و عوامل ساواک و ارتش و نیروهای مسلح و مزدور فئودالی و عشیره ای در دستور کار بوده و سواهد کونا گونی نشان دهنده حرکت آشکار آنان در این زمینه میباشد. سکیلاب های کودتاساگری چون "ارمن های بختی" ایران"، "فرزندان شیر و خورشید" و "مانا لیم که همگی از اعراد ساواکی و وابستگان سرمایه داران و زمین داران بررگ و مرتجعین ارتشی تشکیل شده است نمونه این حرکت میباشد. در کانونون اسران باز نشسته فعل و انفعالات کاملاً متکوکی به جسم میخورد، در نواحی مرزی کردستان (چون ساوا و اورامانات) خوانین مرتجع و وابسته محلی در ارتباط

تعرض خویش را بر علیه انقلاب مآغا ز کرده اند. دستگاه های وسیع تبلیغاتی و سایعه - ساراکنی این کانون های ارنجای، روزمره برانقلاب مامی نارند و از نا رضایتیهای موجود بسود خویش بهره میگیرند و سوا سانی خود را در نا توانی محافل حاکم جسسجو میکنند. دستجات مخفی عوامل ساواک و سرمایه داران و فئودالیهای بررگ که همگی از انقلاب ماصربه دید و دشمن آسی با سراسر اند، بچود سر و سامان داده و حتی جاسارت کرده بفع ساوا و ساحتیار بطا هرات های موضعی و سعاروسی بسر درودیوار بر راه سیاندا زسد، عوامل ریکاریک امیریالیسم و ارنجای در برخی از سوارهای مرری کسور (چون منطقه مرری کردستان و بلوچستان) و در میان برخی ارنجایر دستجات مسلح و مزدور خویش را بر راه ندا حتیه در تدارک یورش بر علیه انقلاب مامی باسد، نیروی دریائی سجا و ریکار امیریالیسم آمریکا کماکان در مرزهای جنوبی کسور و دهانه خلیج فارس مستقر است و سفاکداران در یائی آمریکا در عمان و برخی از سیح سسن ها در حال است اما ده با سبسر میبرسد، در مصر و اسرائیل و عراق کانون های متسکل ارنجای با سرکس اسران و ساواکیهای سراری و با سول آمریکا و ساواسرما - سداران و فئودال های فرا -

روشن با عوامل آمریکا و در برابرش پهلوی و بختیار رورژیم بعسی عراق به تسلیم و سازماندهی و اجیر کردن تفنگچی مشغولند و برخی از آنها تا یک هزار مزدور مسلح در اختیار دارند. خود فروختگانی چون علی قاضی (عامل سیا) مقصدار زیادی اسلحه وارد کرده و تفنگچی استخدام کرده اند. در بلوچستان سردارهای مرتجع محلی نیز بهمین ترتیب مشغول تجهیز و سازماندهی هستند. در مناطقی دیگری چون فارس و خوزستان نیز سوا هدزیدای دال بسر حرکات متا بهی دارند، در تهران و سایر شهرهای بزرگ امرای بازگشته و با تصفیه سده ارتش جلسات مخفی تشکیل داده، میان خود ارتباطات توطئه گرانه ای برقرار مینمایند و محافل سرمایه داران و فئودال های بزرگ و روشنفکران منتسب به این محافل نیز کانونهای توطئه گرانه برپا داشته، عوامل ساواک نقش رابط و سازمانده میان همه این محافل و کانون ها را ایفاء میکنند. در درون ارتش دستهای زیادی در کارند تا شرایط را جهت انجام کودتا فراهم نمایند که نمونه ای از حرکتشان را در جریان حمله نظامی آمریکا در طیس ساهد بوده ایم، بیک گلام، تشکیل و تقویت سازماندهی و تجهیز محافل و کانون ها و شبکه های کودتا گران را در جریان داشته بی هیچ شک و شبهه ای نشان دهنده تدارک برای کودتا است.

در عرصه دام زدن و سوء استفاده از نا رضایتیهای موجود، بلندگوهای تبلیغاتی اویسی و بختیار، بهمراه رادیوهای آمریکا و انگلیس و اسرائیل و آلمان و عراق، فعالانه بکار مشغولند و کما -

زا رگسترده ای را علیه انقلاب مآغا ز کرده اند. عوامل همین نیروها نیز در میان مردم ماب شایعه پراکنی و تشدید تها و سوء استفاده از نا رضایتی های عمومی مشغولند و هیچ فرصتی را جهت خود نمائی و بهره برداری از دست نمیدهند. هدف این کارزار شوم ایجاد جو مخالفت یا بی تفاوتی نسبت به انقلاب و سست گردانیدن ایمان مبارزاتی مردم است، از یک سو عوامل همین محافل کودتا گر، دست به احتکار زده و بدست عوامل سرمایه داران و فئودال های بزرگ و وابسته، به اقتضا دکشور ماصربه میزنند و بروخامت اوضاع اقتصادی، کمیابی و گران و تورم میافزایند و نا میتوانند بزمینه های نا رضایتی های عمومی پا میدهند و از سوی دیگر بلندگوهای تبلیغاتی و عوامل دیگرشان میکوشند تا از این اوضاع نا بسامان (کد خود مسبب اصلی اش هستند) به سود خویش بهره گیرند و در اطرافش تبلیغات مسموم بر راه اندازند. سروکله شوم آنها هم در صدهای خرید کالاهای کم یاب و گران پیدا میشود و هم در انبارهای کالاهای احتکار شده، آنها را هم میتوان در آس ارتش موجود یافت که فرمان کشتار خلق کرد را صادر میکنند و هم در صف مخالفین آنها در کردستان، سرمایه داران آنها از یک سو کالاهای مواد اولیه ضروری کارخانه ها را احتکار کرده و در کار تولید خرابکاری مینمایند و هم موجبات بیکاری و خراج کارگران و هم کمیابی و گران کالاهای فرا هم می سازند و از سوی دیگر خود را قاطی صفوف مردم نا رضی و معترض کرده، تبلیغات شوم خویش را میپراکنند.

برای درهم شکستن تدارک کودتا، باید فعالیت کودتا بقیه در صفحه ۳

• تدارک کوتا برای آنها فعالیت درد و عرصه را منعی میدهد. یکی سازمان
 های و تجهیز و تحدید قوای خود و دیگری دامن زدن و سوء استفاده از با رضایتی های
 موجود و منظور فراهم آوردن حوازم و ضروری جهت عملی گردانیدن کودتا.

اوضاع کنونی ۰۰۰۰۰

بقیه از صفحه ۲ =

شاگردان را در هر دو ایمن
 عرصه ها عقیم و خنثی نمود.
 جریان تدارک کودتا چنانچه
 از همین امروز در هم شکسته
 نشود و این تدارک چنانچه با
 موفقیت به پیش برود، آنوقت
 ملت ما با ماثب بسیار
 بزرگتری روبرو خواهد گشت،
 که پیروزی بر آنها تسلان و
 نیروی بمراتب بیشتر را
 طلب خواهد کرد.

کودتا با لاجباز یک
 دوره تدارک میگذرد، که در
 آن کودتا چنان زمینه های
 عملی و ذهنی کودتا فراهم
 کرده، با مناسب شدن فرصت
 آنها با اجرا میگذرانند. در هم
 شکستن تدارک کودتا همان
 قدر اهمیت دارد که در هم
 شکستن خود کودتا. آنها که
 خوشحالیانه در انتظار کودتا
 بودند بر علیه آن برخیزند و
 با اصولا جنین خطری را باور
 ندارند، با بدچشان خود را
 با زکند و خواب بسیار
 شوند و جریان تدارک ایمن
 کودتا را که در برابر چشما
 نشان صورت میگیرد ببینند.
 برای در هم شکستن
 تدارک کودتا باید منابع و
 ابزارهای اصلی کودتا را
 شناخت و آنها را سرکوب نمود.
 این منابع اصلی همانطور
 که پیشتر نیز متذکر شده ایم
 عبارتند از:

الف - قوای سه گانه
 هوایی، دریایی و زمینی
 کشور، ب - کانونهای توطئه

یا لیسم و ارتجاع زخم خورده به
 منظور با زگشت سلطه شان
 تدارک میبینند، محافظ
 حاکمه سرشان به کار خود گرم
 بوده، زمینه را برای بهره
 برداری کودتا چنان و ارتجاع
 و صیریا لیسم آماده میسازند.
 از آن بخشهایی از محافظ
 حاکمه که خود دستی در ایمن
 کودتا دارند و روابط با
 امپریالیسم آمریکا و ارتجاع
 میباشند که بگذریم (زیست
 تکلیف اینان روشن است)
 باقی نیروهای شرکت کننده
 در هیئت حاکمه نیز هر یک به
 نوعی و به درجه ای در ایمن
 زمینه سازی ها سهیم اند و بی
 آنکه خود بداند و یا حتی
 بخوانند، راه را برای بهره
 برداری کودتا چنان و هم
 دستان آنها هموار میسازند.
 در عرصه فعالیت محافظان و
 شبکه های کودتا چی جهت
 سازماندهی و تجدید قوا، عملا
 دستشان را با زگذا رده اند و
 حتی برخی از آنها را نیز زیر
 بال و پر خود گرفته اند.
 بسیاری عوامل ساواک که به
 لطف عفو ما آزاد شده و بی
 قرار منع تعقیب مانده اند.
 است، از این فرصت استفاده
 کرده، مشغول سازماندهی و
 تدارک هستند و میان آنها شی
 که امروز زیر لوای "ساواک"
 در "خدمت" جمهوری اسلامی
 ایران هستند و آنها شی که
 خارج از دستگاره حکومت قرار
 دارند، ارتباط برقرار بوده
 هر یک بخشی از این توطئه را
 به پیش میبرند. دگرگونی
 بنیادی ارتش و ایجا دنیرو
 های مسلح مردمی صورت
 نگرفته و بسیاری از سران
 بدست بقیه و وابسته به آمریکا

کماکان در پست های خود باقی
 مانده اند و دستشان در توطئه
 چینی بر علیه انقلاب با ز است.
 و آندسته ای هم که تصفیه و بی
 با ز نشسته شده اند در خارج از
 ارتش به سازماندهی و تدارک
 مشغولند. بسیاری از سرمایه
 داران وابسته و فئودال های
 بزرگ (چند آنها شی که ما
 لسان معادله شده و چنه نشده)
 دسیسه چینی هستند و دولت نیز
 عملی کاری به کار آنها ندارد.
 خوانین عساکر آزادانه دستجا
 مسلح بر آه انداخته اند و دولت
 نیز بجای سرکوب و خلع سلاح
 آنها، رویش را از آنها بر
 گردانده و ارتش و پاسداران را
 به گردستان و ترکمن صحرا و...
 گسیل میدارد تا در برابر مردم
 بیباک خاسته و عدالتخواه ایمن
 مناطق برخیزند و علاوه بر این
 چمران ها و ما لیم بدست خود
 برخی از این خوانین را
 مسلح نموده اند.
 سازش و مما سات با من
 سبات و نهادهای مانده از رژیم
 گذشته و حدا گنر مردم در ایمن
 مناسبات و نهادهای نتیجه ای
 نیز جز این نتوانند است. آنها
 از مبارزه قاطع و ریشه ای با
 اساس نظام وابسته گذشته
 عاجزند و دگرگونی اساسی
 مناسبات در کفایت و لیاقت
 شان نیست و اینرا حدود یکسال
 و نیم حکومت آنها نشان داده
 است.
 این محافل و شخصیتها،
 بجای کوشش در جهت متحد
 گردانیدن مردم در مبارزه علیه
 امپریالیسم و ارتجاع، بتفرقه
 و نفاق در صفوف مردم دامن
 زده، زیر عنوان "حفظ امنیت"
 بقیه در صفحه ۴

و گروههای ضربتی مسلح در
 میان خوانین عساکر، سرما
 به داران وابسته و فئودالها
 و طبقات مرفه شهری،
 چ - شبکه های مخفی ساواک و
 جاوسان بیگانه (در ادارات
 دولتی و کمیته ها و سایر مراکز
 حواس دولتی و خارج از دولت)
 د - جناحی از روحانیت
 حلقه زده بگردرو حانی ها و
 شریعتمداری ها و عناصر و
 جریانات معلوم الحبال و
 یا منبری های کودتا چون
 بهشتی ها و آیتها و فلسفی ها
 و حجازی ها و امثالهم، ه -
 عمال وابسته به سفارت های
 انگلستان و آلمان و...
 (رجوع کنید به "حقیقت" شماره
 ۷۱ - ۲ خرداد ۵۹، مقاله
 "هدار به همه انقلابیون و
 مردم ایران")

این پنج منبع تحت
 فرماندهی امپریالیسم
 آمریکا و ارتجاع زخم خورده
 بهلوی ویا در همدستی و هم
 راهی با آن در تدارک کودتا
 هستند و بدین منظور به سازمان
 ماندهی و تجهیز قوای خویش
 چه در داخل و چه خارج از کشور
 و بر آه انداختن کسارزار
 تبلیغاتی بر علیه انقلاب ما
 برخاسته اند. وظیفه همه
 مردم و همه نیروهای آزادی
 خواه و انقلابی است که برای
 کانون های کودتا خیز حلقه ور
 شوند و آنها را از ریشه ساقط
 نمایند.
 اما در حالیکه صبر

با پدید آمدن نندگان از این اعمال نه قانونشان سود میبرد و نه شرعشان، برنده نهائی، امپریالیسم و ارتجاع است که با طور جلادی را برای

جویانه خاص، پیروی از یک سیاست خانمان برانداز اقتصادی که نتیجه ای جز ورشکستگی هر چه بیشتر اقتصاد، با زار و کشاوری ندارد و خود یک پای کمیابی و گرانگی کالاهاست، اینها همه علاوه بر اینکه خلاف مصالح انقلابند به رشد ناراضی ها داد من زده، زمین به بهره برداری ارتجاع و امپریالیسم را فراهم میآورد، یک نمونه ابتدائی این ناراضی تراشی ها همین جریان مربوط به تحمیل حجاب اسلامی است که زیر عنوان مبارزه با فساد و فرهنگ استعماری طرح شد و آب به آسیاب دستگاهاهای تبلیغاتی ارتجاع و امپریالیسم ریخت.

مخالفان حاکمه (از آنها - شی که خود دستی در کودتای داریند و هم دست کودتای چنان این مخالف و شخصیت ها، بجای کوشش در جهت متحد گردانیدن مردم در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، به نعره و ساق در صفوف مردم داد من زده، زیر عنوان "حفظ امنیت" و "حکومت قانون" و "حکومت شرع"، مردم را در برابر هر قرارداد، بر علیه نیروهای انقلابی تاخت و ساز می کنند و نمود میماند که گوئی این نیروهای انقلابی هستند که بسود ارتجاع و امپریالیسم آمریکا و حرکت ارزنده شان در داد من زدن به مبارزه بزرگ ملت ما بر علیه آمریکا، به سبب ویزه گیها و محدودیت ها شی که از بیگانه طبقه ای و مکتبی شان بر میخیزد، بخصوص در زمینه بعدد مکران تیک انقلاب (بویزه در شرایط افت مبارزه ضد امپریالیستی) خود مسئله ساز بوده، گاه و بیگاه تبدیل به یک پای داد من زدن به تفرقه و نفاق در صفوف خلق و حمله به نیروهای انقلابی و زمین سازی برای بهره برداری ارتجاع و امپریالیسم میگردند. ایشان هر وقت منافع "روحانیت" را بر منافع خلق و انقلاب ترجیح میدهند، هر وقت که وحدت مخالفان حاکمه را بروحدت مردم در مبارزه

ضربه زدن به آنها، تنها آب به آسیاب امپریالیسم و ارتجاع میریزد. از طرف دیگر تا آنجا که مربوط به ناراضی کردن مردم و ایجاد زمینه برای بهره برداری ارتجاع و امپریالیسم است نیز مخالفان حاکمه، چه بدانند و چه ندانند، به بلندگوهای تبلیغاتی کوه دتا جیان غذا میسازند، دست گذاردن بروی تضادهای مسائل فرعی و کوشش جهت تحمیل معیارهای آرمان -

اوضاع کنونی، ۰۰۰۰۰

بقیه از صفحه ۳

و "حکومت قانون" و یا "حکومت شرع"، مردم را در برابر هر قرارداد، بر علیه نیروهای انقلابی تاخت و ساز می کنند و نمود میماند که گوئی این نیروهای انقلابی هستند که بسود ارتجاع و امپریالیسم آمریکا و حرکت ارزنده شان در داد من زدن به مبارزه بزرگ ملت ما بر علیه آمریکا، به سبب ویزه گیها و محدودیت ها شی که از بیگانه طبقه ای و مکتبی شان بر میخیزد، بخصوص در زمینه بعدد مکران تیک انقلاب (بویزه در شرایط افت مبارزه ضد امپریالیستی) خود مسئله ساز بوده، گاه و بیگاه تبدیل به یک پای داد من زدن به تفرقه و نفاق در صفوف خلق و حمله به نیروهای انقلابی و زمین سازی برای بهره برداری ارتجاع و امپریالیسم میگردند. ایشان هر وقت منافع "روحانیت" را بر منافع خلق و انقلاب ترجیح میدهند، هر وقت که وحدت مخالفان حاکمه را بروحدت مردم در مبارزه

همه تیز کرده و در تدارک فرصت ها سب میباید. کارگران و سورا های کارگری سنگرهای مطمئن و قاطع مبارزه ضد امپریالیستی اند، دهقانان مبارزان پیگیر علیه امپریالیسم و فئودال های وابسته به آنند و نیروهای انقلابی پیشتر از مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم اند.

حمله به کارگران و دهقانان و نیروهای انقلابی بسود هیچ کس نیست مگر امپریالیسم و ارتجاع آنها. شیکه امروز سورا های کارگری را بزیر حمله گرفته، کارگران مبارزان زندانی میمانند، آنها شیکه به دهقانان دشنام داده آنها را اردست درازی بر ملاکی که حفسان است بر حذر میدارند، آنها شیکه زندان ها را از آزا دیخواهان برمیکنند و برام های جنایت کارانه سزایش گذارده و بیسانندشان میکنند، آنها شی که به هر عنوان آزادی های سیاسی را از مردم سلب کرده، بکیر و بید راه انداخته اند،

اوضاع کنونی ، ۰۰۰۰

بقیه از صفحه ۴

نقش تعیین کننده ای نخواهد داشت. این انحراف کهریشه در گذشته ها دارد. بهترین وجه در جریان وقایع پس از اشغال

علیه امپریالیسم و ارتجاع ارجح میدانند، در عمل به موضعی در میغلظند که تنها با ب طبع خدا انقلاب بوده و تنها تسویق آنان را برمی - انگیزاند، همانطوریکه سوسیسمان را پس از نطق بر علیه مجاهدین خلق - انگیخت .

۳ - در جنبش انقلابی چپ و دمکراتیک و همچنین در درون جنبش کمونیستی ایران ، متاسفانه تمایلات و نظرات انحرافی و نادرستی جا گرفته است که هر یک بنوعی به اهمیت مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و خطر کودتای آمریکا می کم بها میدهند و آنچنان در "توهمات" خود غرقند که شاید صدای تا نکهای کودتا چنان نیز آنان را از این خواب خرگوشی بیدار ننماید و اگر هم بیدار نشاند ، آنقدر دیرخواه بود که بهتر که دوباره چشمانشان را ببندند و وجدان خود را از عذاب مشاهده کشتار روحشایانه مردم بیچاره ما راحت گردانند .

بسیاری از گروه های جنبش انقلابی ما و بویژه جنبش کمونیستی ، متاسفانه در تشخیص تضادهای اساسی این جامعه و خطراتی که انقلاب ما را تهدید میکند به خطا رفته و توجه مرکزی خویش را معطوف مسائل میگردانند که مسائل اساسی این انقلاب نبوده ، در سر نوشت آن

آن کنا رکشنند و بهمین ترتیب نیز بر خطریک کودتای آمریکا می پرده پوشا نند ، با چنین ارزیابی ها می ، معتقدین بآن چنانچه در بره های خود صادق باشند در زمان وقوع کودتا نیز باید خود را کنا رکشنند زیرا در دعوی دومتوجه که نمی توان سمتی گرفت! رفقای "رزمندگان" نیز کلا امکان وقوع و یا ضرورت وقوع چنین کودتای را نفی میکنند و حتی در اثبات "واهی" بودن امکان چنین چرخشی ، مقاله نیز نوشته اند ، جا مع سرمایه داری وابسته است و رژیم حاکم هم نماینده و مدافع سرمایه داری وابسته و مسئله مرکزی

● برای درهم شکستن تدارک کودتا ، باید فعالیت کودتاگران را در هر دوی این عرصه عقیم و خنثی نمود . جریان تدارک کودتا چنانچه از همین امروز درهم شکسته شود و این تدارک چنانچه با موفقیت به پیش برود ، آنوقت ملت ما با مصائب بسیار بزرگتری روبرو خواهد گشت ، که پیروزی بر آنها تلاش و نیروی ممراتب سبب را طلب خواهد کرد .

کودتا با لاجرا ز یک دوره تدارک میگذرد ، که در آن کودتا چنان زمینه های عملی و ذهنی کودتا را فراهم کرده ، با مناسب شدن فرصت آنرا احراز میگذارند . درهم شکستن تدارک کودتا همان قدر اهمیت دارد که درهم شکستن خود کودتا . آنها که خوشحالیانه در انتظار کودتای تاجر علیه آن برخیزند و با اصولا چنین خطری را باور ندارند ، باید چشمان خود را باز کنند و از خواب بیدار شوند و جریان تدارک این کودتا را که در برابر چشمانشان صورت میگیرد ببینند .

"جبهه متحد علیه فاشیسم" را دوباره رو کرده اند و برای این عقیده اند که خطراتی که فعلا انقلاب ما را تهدید می - کند نه کودتای آمریکا می ، بلکه فاشیسم همین هیئت است که ما است و در نتیجه مجاز است که با مخالفین این فاشیسم (ازبنی صدر گرفته تا دموکرات های انقلابی) در یک جبهه متحد در دفاع از "آزادی های دموکراتیک" متحد شد ، البته فاشیست ها از نظر آنها طیفی از مخالفین امپریالیسم (چون خمینی) را تا همدستان امپریالیسم (بهستی و امثالهم) در بر میگیرد و وقتی هم که جبهه بندی را بخواهیم بر چنین

اساسی استوار کنیم و در ارتز - یابی از ما هیئت نیروها بخطا رویم ، چاره ای نیز جزایین نخواهیم داشت ، رفقای "وحدت انقلابی" برای این عقیده اند (و یا بهتر است بگوئیم تا قبل از تجدیدنظر در پلاتفرم اولیه گروه های بنیان گذار وحدت انقلابی بر این عقیده بودند) که چنانچه امپریالیسم آمریکا به ایران تهاجم کند و یا کودتای آمریکا رخ دهد ، از محافل مخالفت امپریالیسم در حکومت در برابر آمریکا دفاع

مبارزه هم مبارزه با این "سرمایه داری" و نمایندگان آن است و آمریکا نیز از طریق همین دولت منافع خود را بر آورد میگرداند و دنیا زبسه کودتا ندارد ، خطر کودتا از نظر آنها همانند جریان اشغال سفارت یک توطئه ای است که جهت منحرف گردانیدن اذهان مردم از مبارزه علیه این "سرمایه داری" عنوان شده و توجه بآن بمعنسی افتادن در دام تبلیغات هیئت حاکمه سرمایه داری است . رفقای "رزمندگان" به شکل ظریف همان

اوضاع کنونی، ۰۰۰

بقیه از صفحه ۵

مواضعتان نیز تجدید نظر کنید، آنوقت باید بگوئیم که رفقا، فرصت دارا زدست می‌رود، نگذارید تا ریخدر مورد ماها منظور قضاوت کند

امپریالیسم شوروی، تکلیف ما روشن است، اینان گرچه زیاده‌دما ز آمریکا و خطر آمریکا میزنند و "خطر" آنرا "جدی" قلمداد میکنند، لاکن هدفشان نه آزادی و استقلال ایران از یوغ امپریالیست ها، بلکه کسائیدن ایران به زیارتقیادسوسیال امپریا- لیسم شوروی است، آنها می- خواهند کودتای آمریکا شی را به یک ضدکودتای روسی (که خود ایضا کودتای برعلیه مردم ما است) تبدیل گردانند و از این روال خود را ضد کودتا مینامند، ما در "حقیقت" (شماره ۷۲) مختمات حرکت کودتای این دارودسته‌های مزدور بیگانها بر سر مدیم و نیک میدانیست که اینها در صو-

قرار داشته و یا از طریق جناحهای یا اصطلاح انقلابی رویونیسم نسبت به این دارودسته نظر مسا عدی پیدا کرده اند را به جایگاه و نقش این بنگاه سوسیال امپریا- لیسم شوروی و بر ماها می‌کشد در سردار دجلب نماشیم و بر ضرورت پشت کردن به آن پا- فتاری نمائیم.

"رهبران فدائی" زیر لوای مبارزه با آمریکا، کرب- نس به شوروی و کارکرداری برای آنرا بیشه ساختند و حرکت خویش را بر این اساس استوار کرده اند و از سوی دیگر در برابر اسراران سر خم کرده و علاوه بر آن به دست و پرخاست با بهشتی که خود دستی در حرکت کودتا خواهد سپردا خنانه ندکه هیچکدام راهی بسودج لوبگیری از کوب- دنای آمریکا نمی‌خواهد کسود، جا داردا آندسه از کسانیکه کماکان ارایس سیاست و حرکت ورهبری پستیانی میمانند خود آمده خویش را با زیحاهه حرکتی که منفعتش در نهایت به جیب مگومیریزد نکرده اند در اینجا ضروری نیسز

هست با اسارهای سیرجریان "حزب رنجبران" بهما تیم، اینان که در انطبا و حرکت رویونیست های چسبی و پیروی از نظوری های این دارودسته عمل مینماید، فکر و ذکریندارند مگر "مبارزه با سوسیال امپریالیسم سو- روی" و در این راه بر خطراتی که از سوی آمریکا متوجه کشور و انقلاب ماست پیرده پونا ندوه خطر همسایه شمالی را عمده میکنند و بدین طریق به کسود کردن لبه مبارزه ضد آمریکا می‌کشند آنرا بسوی دیگری منحرف سازند، این سیاست نتیجه ای مگر ریختن آب به

که در باره ۶۰ بر خورد حزب توده به کودتای ۲۸ مرداد قضاوت کرده است. در میان نیروهای دموکراتیک انقلابی نیز متاسفانه کمبها می‌بسه این خطر جدی بوضوح به چشم می- خورد و برخی چنان درگیر مسائل خودشان و صف بندی

● محافل حاکمه (ارآنها می‌کند که خود دسنی در کودتا دارند و همدست کودتاچیان خواهند بود، چون ساندستنی - آیت که بگذریم) با دنبال کردن یک ساس لیبرالی و مماشات جوئی با مسائات و سها دهای مانده از رژیم گذشته و اعمال سیاستهای فاسد برعلیه نیروهای مرمی و حوا- سته های اساسی زحمتکشان اریکسوودسائل کردن و محمل خواسته های گروه خاصی از روحا بیون و "شرع" ساط طبع اسن دسته، به اوضاع حساس و سحرانی کسوسی دامن زده، رسبه را برای بهره برداری ارتجاع و امپریالیسم آماده می- سازند.

بر اساس مسائل خودشان هستند و آشکارا همه چیز را از این دریچه میبینند، که در عمل توجه لازم را نسبت به این مهم مبذول نداشتند و یا حرکت خویش را بر اساس صف بندی با آن جناح های از هیئت حاکمه در این زمینه استوار کرده اند که خودشان یکپایه مماشات با آمریکا و زمینه سازی جهت کودتاست و بسا منابع اصلی کودتا سازش میورزد، این روش و این طرز برخورد با یحتما کنسار گذاشته شود و در اینجا روی سخن ما بویژه با "سازمان مجاهدین خلق" می باشد، در مورد دارودسته حزب توده و سایر یادی سوسیال

خواهند کرد، لاکن چنین بنظر میرسد که این رفقا نیز با این حرفها را اطلاق ندارند و با آنها را جزء مواضعی میداندند که برای ویتترین پلاتفرم ها تهیه شده و جنبه عملی ندارد. میگوئید چنانچه حمله یا کودتا شود فلان خواهیم کرد، بسیار خوب، الان در حال تدارک حمله یا کودتا هستند، بفرمائید کاری کنید، در یک جنگ معمولی هم وقتی دشمن تدارک حمله را میبیند و بسه نقل و انتقال قوا و تحکیم مواضعش می پردازد، طرف مقابل هم دست روی دست نگذاشته، خود تدارک میبیند و در عین حال میکوشد تا در کار تدارک طرف مقابل لاقول خرابکاری کند، آن فرماندهی که دست روی دست می- گذارد تا دشمن حمله کند و بعد تا زه به تدارک مقابلت میپردازد، از قبل آماده گی خود را برای شکست به دشمنش اعلام کرده است، البته گفتن نیز داردها که شاید کودتا از نظر شما مدتها پیش صورت گرفته و یا مثلا در جریان یورش به دانشگاهها که شما آنرا "کودتا" نامیدید قابل قضیه کننده شده باشد، که در این صورت پرواضح است که صحبت از کودتا برایتان همانطور جالب خواهد بود که صحبت از تاریخ گذشته و داستان پسر- داریهای کهنه شده، اما اگر چنین نمیپندارید و امیدوار

منتخب سربازان و درجه داران انقلابی و میهن پرست و ایجاد دستجات مسلح مردم زیر نظر انجمن های ضد امپریالیستی محلی

کمه و مجازات با ندهای توطئه گران ارتجاعی لانه کرده در "شورای انقلاب" و "دولت" و مجلس شورا و افشاراد بدسا بقه ای چون بهشتی، آیت، فلسفی و حجازی و امثالهم که هر یک پرونده خوش خدمتی به رژیم گذشته را دارند.

دموکراتیک کاربا شرکت و نظارت نمایندگان منتخب کارگران و بویژه لغو فوری ماده ۳۳ قانون کار پس مانده از رژیم گذشته و برسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض و جهت کسب حقوق سیاسی و اقتصادی کارگران.

۱۵ - تامین کار و

امکانات واقعی برای بی کاران و ممانعت از اخراج کارگران شاغل.

۱۱ - صادره و ملی

کردن کلیه کارخانجات و سرمایه های وابسته و قطع حمایت دولت از آنها.

۱۲ - صادره و تقسیم

اراضی فئودال ها و زمین داران بزرگ بدست شورا های منتخب دهقانی و تاملین

نیا زمیندیهای کشاورزی دهقانان از قبیل وام بدون بهره درازمدت، ماشین آلات

کود و بذور آب و تشکیلات دستجات مسلح دهقانی زیر

نظر شوراها و انجمن های دهقانی بمنظور مقابله با حرکت ارتجاع و امپریالیسم

و حراست مستقیم زخرمن ها و مقابله با دستجات مسلح فئودالی

۷ - قطع بلاد رنگ جنگ

کردستان و تحقق خواسته های بحق ملی و دموکراتیک خلق کرد و سایر ملیت های ستم دیده ایران و تاملین وحدت ملی مردم سر تا سرایران بر این اساس.

۸ - تاملین و تضمین کلیه آزادیهای دموکراتیک از جمله آزادی بیان، مطبوعات و اجتماعات و آزادی احزاب و جمعیت ها و جلوگیری قاطع از فعالیت

عناصرو جریانات وابسته به بیگانه و مرتبط با محافل و شبکه های کودتاگر.

۹ - برسمیت شناختن کلیه شورا های واقعی کارگری بعنوان سنگرهای مبارزات ضد امپریالیستی، قطع حمله به شورا های کارگری و آزادی کلیه کارگران زندانی، تدوین یک قانون

۳ - کشف و نابودی دستجات و کانون های مزدور ارتجاعی "ارتش رها بی بخش ایران" و "فرزندان شیر و خورشید" و امثالهم.

۴ - خلع سلاح فوری دستجات مسلح مزدور فئودالی و خوانین مرتجع عشایر و دستگیری و مجازات سران آنها بویژه در کردستان، فارس

بلوچستان و خوزستان.

۵ - دستگیری و مجازات شدید محتکران کالا و مواد اولیه کارخانجات و ارزاق و مایحتاج عمومی و سپردن امور کنترل بر توزیع مایحتاج عمومی بدست

کمپ انجمن های محلی منتخب مردم و سپردن امور کنترل بر تولید و توزیع محصولات کارخانه بدست کمیته های منتخب کارگران و کنترل قیمت ها برای اساس.

۶ - دستگیری و محار

اوضاع کنونی،

بقیه از صفحه ۶

قدمهای اولیه در این جهت میباشند.

۲ - دستگیری و مجازات عناصر واک و خود فروخته، لغو فرمان عفو عمومی و احکامی که به آزادی

آنان منجر شده و انتشا رهرجه فوری ترلیست اعضاء و منابیع وهمکاران ساواک، تصفیه کلیه ادارات و مراکز کشوری و لشگری از این عوامل و

انحلال فوری ارگان های که با استفاد از این عوامل بازسازی شده اند.

۳ - کشف و نابودی دستجات و کانون های مزدور ارتجاعی "ارتش رها بی بخش ایران" و "فرزندان شیر و خورشید" و امثالهم.

۴ - خلع سلاح فوری دستجات مسلح مزدور فئودالی و خوانین مرتجع عشایر و دستگیری و مجازات سران آنها بویژه در کردستان، فارس

بلوچستان و خوزستان.

۵ - دستگیری و مجازات شدید محتکران کالا و مواد اولیه کارخانجات و ارزاق و مایحتاج عمومی و سپردن امور کنترل بر توزیع مایحتاج عمومی بدست

کمپ انجمن های محلی منتخب مردم و سپردن امور کنترل بر تولید و توزیع محصولات کارخانه بدست کمیته های منتخب کارگران و کنترل قیمت ها برای اساس.

۶ - دستگیری و محار

آسیاب آمریکا می باشد و دنباله روی از آنها در خدمت ضربه زدن به انقلاب مامی باشد.

۴ - در شرایط حساس کنونی که خطر یک کودتای آمریکا می کشد و انقلاب ما را تهدید میکند و ارتجاع و امپریالیسم از درون و بیرون در تدارک آن میباشند، ضروری است تا تاکتیک ها و برنامه

مه های خویش را بر اساس پاسخگوئی به مسائلی که در هم شکستن این تدارک

ارتجاعی و آماجگی در برابر کودتای امپریالیستی نیاز دارد استوار گردانیم و با

نظر گرفتن اوضاع عمومی کشور و انقلابمان، تضادهای اساسی و عمده و گذاردن لبه

تیز حمله خود در دوره کنونی جهت درهم شکستن توطئه های

ارتجاع و امپریالیسم حرکت کنیم و جبهه انقلاب را در برابر این توطئه ها مسلح

گردانیم، از این رو جامة عمل پوشاندن به خواسته های

فوری زیر ضروری بوده، راه را جهت درهم شکستن تدارک کوب

دنا و آماجگی انقلاب بسرای مقابله با کودتای آمریکا می

هموار میسازند:

۱ - دگرگونی بنیادی ارتش و ایجاد ارتش توده های مردم، در این زمینه تصفیه فوری و انقلابی افشاراد و امرای بدسا بقه نیروهای

سه گانه و سپرده اداره امور این نیروها بدست شورا های

حقیقت



**ارگان اتحادیه
کمونیستهای ایران
را بخوانید و پخش کنید**

راه پیمائی ضد وحدت

بقیه از صفحه اول

آن چند صد هزار نفرش، و شاید هم نه بیشتر از دو بیست هزار نفر، برای اعلام هواداری از قشری گری ارتجاعی فتنه جویان مشروع طلب درخیا - با آنها حضور بهم رسانیدند - و آنهم بیشتر بخاطر پیشداوری - های قبلی شان!

راه پیمائی روز جمعه ۱۳ تیر ماه و مقایسه آن با راه پیمائی های گذشته نشان داد که توده های وسیع مردم حاضرند علیه امیرالایسم و دشمنان واقعی انقلاب ایران همراه با روحانیون و درهم - بسگی با آیت الله خمینی به قدرت نمائی برخیزند و اعلام آمادگی کنند؛ لیکن حاضر نیستند بخاطر قدرت - ستمائی ملایان مشروع عیسی و همچنین برای اعلام همبستگی با قشری گری آیت الله خمینی به خیا با آنها بیایند و راه به بلواهای ارتجاعی دهند.

در مدغم توده خورده بورژوازی شهری که به همراه نجار و تومبیل سواران با - زار و بخی از روحانیون به خیا با آنها آمدند، سیرن زولی وحدت " امت " با قشری گری امام و با زیجه سدن وی را در عرصه رفاه پیمائی گروهی و دسایس دشمنان انقلاب مردم ما، نسبت به اعلام وحدت های گذشته، بر ملا ساخت. طی راه پیمائی کذائی جمعه حتی یک شعار هم علیه ایادی ساه و آمریکا، ابر قدرت ها و شیبا - طین ریز و درستی که انقلاب

مردم علیه آنها جریان داد داده نشد. بلند گوها حتی بر علیه دستگاه داری فاسد، دیوانسالاری و فرهنگ استعماری و تباه

نوارهای آیت بسروی آب افتاده بود، از این وضع برای تغییر جو سیاسی بنفع خود نهایت استفاده را بردند. البته یک ویژگی همه دست - اندرکاران دولت و " شورای انقلاب " میباشد، که از حرف ها و پیمائی خمینی، آنچه بخودشان بر میگردد و بجا - نبی از نظام فاسد گذشته و امپریالیسم را مورد حملسه قرار میدهد، فوراً حذف و یا ماستمالی شده و آنچه علیه نیروهای انقلابی و مبارز ما نندمجا هدین میباشد و یا به عوالم قشری و منافع امتیاز طلبانه روحانیون خدمت میکنند فوراً توسط این بی آن جناح برجسته میشود و جنبه عملی بخود میگیرد.

های الحادی و التقاطی " که " بسیاری از جوانان پاکدل ما را به انحراف کشیده اند "، بعنوان " ضد انقلاب " محکوم کرده اند و " خواستار انحلال " آنها شده اند. شاه مخلوع با آن یدبیطایش نتوانست این " گروه های الحادی و التقاطی " را منحل کند، حضرات بهشتی و آیت و طایفه شان میخواستند اینکار را بکنند؟! این حضرات توطئه گر، که در این اواخر پسته دسیسه چینی های ارتجاعی شان و روابط پنهان شان با مظفر بقائی مزدور و خائن بر ملا گردید، گوئی با صدور چنین قطعنامه و ایجاد بلوا بگردان قصد انتقام کشی در سمری پرورانده اند. این حضرات نیک میداند که بخش

● اهداف راه پیمائی بطور مشخص باب طبع آن محافل

قشری و امتیاز طلب از روحانیونی بود که آیشان با اقتضای عقب مانده بورژوازی، دلالتها و تجار عمده و همچنین ملاکین بیک جوی میروند - چنانکه آقای گلپایگانی ارباب مآب بیدرنگ به استقبال و تائید مشتاقانه اهداف آن پرداخت.

قطعنامه از پیش تنظیم شده راه پیمائی کذائی آنچه نداشت یک محتوای فدا می - یالیستی و بیان دردی از دردهای توده مردم بود. البته نویسندگان قطعنامه کذائی، که از همان دارو دسته های معلوم الحال بهشتی و آیت و شرکاء هستند، از واژه های " انقلاب " و " انقلابی " زیاد استفاده کردند، لیکن تنها برای آن که انقلاب را ضد انقلاب و انقلابی را ضد انقلابی جا به زیند و توی چشم توده های که برای آزادی و سعادت خویش به انقلاب برخاستند خاک به پاشند. تنظیم کنندگان قطعنامه کذائی با حالتی حق بجانب و از خود راضی همه گروه های انقلابی و ترقی خواه کشور را زیر نام " گروه -

عظیمی از همان توده های که برای راه پیمائی روز جمعه آمده بودند، اگر به مفاد این قطعنامه از قبل با خبر بودند، اصلاً به خیابان نمی آمدند و به روبا صفتان نشان می - دادند که این نه " گروه های الحادی و التقاطی " بلکه این دارودسته بهشتی - با هنر - آیت - بقائی و شرکاء هستند که دیگر " برای ملت ایران قابل تحمل نیست " و مصرا " خواستار انحلال شان هستند - و منحلشان هم خواهند کرد!

در ۱۶ بند قطعنامه صحبتی از حقوق کارگران و دهقانان و مردم رنج دیده ایران نیست، حمله ای به عمال شاه و بختیاروسا و اکی - ها، فتوایها و سرمایه داران ضد انقلابی و محترکان و دزدان بقیه در صفحه ۹

● هدف آسپاردن بحبا روستیا رچی های حائس سیست ، بلکه بیشر در قابت ارتحا - عی خودا امرادی ماسدسی صدرو گروههای لیبرالی سربک در قدرت است ، تا همه قدرت را بسرف خود در آورده و بقول شادروان طالفاسی "استبداد زیر پرده دین" خود را ، که راهی بحرهدسی با امیریا لیسمدارد ، بیاده کند

راه سیاسی ضد وحدت

- بقیه از صفحه ۸ -

همدستان بقائی مزدور ، انقلابی و درکنف حمایتی اسلامی کذاشی ایشان هستند . آنها جنمندانده گروههای انقلابی ایران را مسلح میکنند ، همانطور که سردار اسعد ها و ناصر الملک ها هم در زمان انقلاب مشروطه چشم دسدن مجاهدان مسلح آن دوره را ندانستند! همانطور که سنی امه "اسلامی" چشم دسدن گروههای مسلح باک و مازیار " غیراسلامی " را ندانستند! بعلاوه در قطعنا مه کذاشی کنکمش های ارتجاعی حاسهای رقیب در قدرت و طمع ورزی دارودسته انحصار طلب هستی - آب و سرکاء کا ملاعریان گشته است . آنها که در بند ۱۴ قطعنا مه به طرفداران مصدق ، بیایا آنها شکه زیر نام مصدق و ملی کری خود را سبها ن ساخته اند ، اساره میسود ، منظور نبود بسندگان بخنیا روستیا رچی ها و مثلا حزب ایران و امثال آن سمیاند . اگر چنین بود بروسنی و وضوح مینوستند و اعلام میکردند ، به آنکه بجای حمله به عمال بختیا روسا ه و آمریکا ، حمله خود را متوجه آن جریا ساتی کنند که امثال بختیا را از آن زاده سده اند (نگاه کنید به قطعنا مه) . انگار که از میان صفوف خود این حضرات افرادی ارقعاش همین بختیا رها ، که با " طاغوت " همکاری میکرده و میکنند ، افرادی مانند کاشانی در گذشته و آیت و

مصمود ، نسبت به ساییس آمریکا حنا ینگارودسد - اسداریهای ابرفدرتها و سوکراسان برخاسی صورت نمیگرد . هرکس به قطعنا مه کذاشی سکرده فوراً متوجه میسود که مسطور سران حزب جمهوری و همالکی ها بسان از " گروههای ضد انقلاب " ، ساهیها و ساواکیها و ابادی آمریکا و احسنی روس و انگلس و غیره سمسند ، بلکه گروههای انقلابی اسد . تا عدا " ارتطاین سربت - کاران اسلام بناه ساهیها و ساواکیها و راهران خارجی و داخلی گروههای انقلاب را سکیل سده سد . حضرات " حواسا را انحلال گروههای مسلح عمرا سلامی " سده اند ، ولی مسطور سران از اس گرو - ههای مسلح سربکنرس گروه مسلح ساهیها و ساواکیها و سخیارچی ها و سمراری ها ، که خلوی حسمان اس و سنا بحال حد سوطه کودتا در آن کف سده اس ، یعنی ارنس بارما سده ، ساهسا هی ، سس . مسطور سران ارگروه - های مسلح عمرا سلامی ، گروه های مسلح فتودالی و خان - های سربج عسایر ، سفائی ها و حصار بیها ، پالیزان - ها و سکه های آدمکهای کرما ساه که خیرا " ینه سان بروی آب افتا دویا راهزان - نی که در بلوچستان بلوا می - آفرینند ، نمیاسد . این گروهها قطعاً از دیدگا آقا - یان سران حزب جمهوری و

مادق روحانی و غیره در حال حاضر بیرون نیا مده اند . هدف آنها زدن بختیا رو بختیا رچی های خاش نیست ، بلکه بیشر در قابت ارتجاعی خود با افرادی مانند بنی صدر و گروههای لیبرالی سربک در قدرت است ، تا همه قدرت را به تصرف خود در آورده و به قول شادروان طالفاسی "استبداد زیر پرده دین" خود را ، که راهی بحرهدستی با امیریا لیسمدارد ، بیاده کند

دوباره ما نندگذشته فیل اسان یاد هندوستان میگذرد و خطبه بنا م روسیا هان تاریخ خوانده میسود . شیخ فضل الله نوری ستون ارتجاع محمد علینا ه و همدست تزارهای روس علم میسود و برای برائت وی به تحریف تاریخ پرداخته و ردیبلانه ترین دشنا مهانار مجاهدان کبیرا انقلاب مشروطه ایران میگردانند . خیانت آیت الله کاشانی به نهضت ضدا مپریا لیستی سالهای ۳۲ - ۲۹ خدمت جازده میسود و از چهره این همدست رضا خان مپرینج و بعدها زاهدی نا - میکنند .

● آسپادم ار مکتب و مکتبی بودن میسود و منتر سسد مبادا انقلاب ار حها رجوب مکتب خارج شود . ارفرار معلوم ارسس خارج شدن ار مکتب سود که در زمان شاه مطوع سبز درگنا ردرسا ربهلوی سرعلیه حسش کمونیسی و انقلابی اسران سوطه میگردسد و جافوکشان حرب رحمتگشان سفاشی و آلت دسان مدائیان اسلام را بحان آزاد یحوا هان می اسد احنسد .

راهبیمائی ورشکسته روز جمعه ادا مه منطقی آن تشبها ت مذبحا نه ایست که باندهای ارتجاعی و توطئه گرا ز چند ما ه پیش به اینطرف برای کُند کردن تیغه تیز جنبش ضدا مپریا لیستی وضد زیست وهندرسن آمریکا نیی یک قهرمان ملی میا زسد . آنگاه با ندارتجاعی و توطئه گرا آیت - بقائی به طرح ریزی توطئه های که یکبار توفیق آنها را در زمان مصدق بقیه در صفحه ۱۰

راه بیمائی فدوحدت

بقیه از صفحه ۹

و در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۳۱ برای بازگرداندن شاه به تخت سلطنت آرموده اند، مشغول میشوند؛ در حالیکه دارودسته مکار بهشتی - با هنر و شرکاء، این روحا - نیون با اصطلاح مبارزی که تادیور زرشوه از ساواک می - گرفتند دست در دست آنها - گذارده اند. چه خبالتی این افراد را فرا گرفته است! آنها دم از مکتب و مکتبی بودن میزنند و میترسند مبادا انقلاب از چارچوب مکتب خارج شود. از قرار معلوم از ترس خارج شدن از مکتب بود که در زمان شاه مخلوع نیز در کنار دربار پهلوی بر علیه جنبش کم - نیستی و انقلابی ایران تو - طئه میکردند. چاقوکشان حزب زحمتکشان بقا ئی و آلت دستان فدائیان اسلام را بجان آزا دیخواهان می - انداختند.

این چه مکتبی است که آمریکای جنایتکار روروسیها غداران را کرده، نوکران و ایادی آنها را بحال خودول گردانیده، دست فئودالها و خانها را در چا بیدن دهقانان آزا دگزارده، به سرما یه - داران ضد انقلابی و طرف - داران بختیا رخا ئن وسا و - کیهها عفو و بخش عطا کرده و بجای آنها به دشنام داد و بیگرد جوانانی برداخته است که در سالهای سیاه حکومت محمدرضا شاه هی در زندانها خون قی میکردند

و برای آزادی کشته میدادند. اینها بودند دزدان سرگرد - دنه؟! یا دزدان سرگردنه کسانی بودند و هستند که از پشت میزهای سانسور محمد رضا شاه و با مباشرت امثال بقا ئی ها و میرا سرافی های خائن دزدانه برگرده انقلاب ملت ما سوار شده به بلوا سازی و توطئه چینی علیه وحدت مردم مشغولند. دزدان سر - گردنه کسانی اند که اموال ما در هتده عمال رژیم سابق را در بنیاد مستضعفین بدست ایادی شاه و دربار میسپارند، برای نجات میرا سرافی فرا - ما سونروخا ئن توصیه صادر میکنند، قره باغی جلاد و اخیرا " با قری کودتا چی را پناه میدهند و همچون جنسی مرتجع خوزستان را به آتش میکشند.

مگر بنام حجاب تفرقه در میان زنان شاغل و کارمند و زنان خانه دار انداختن توطئه گری و زمینه سازی برای دشمنان انقلاب نیست؟ این کارها مگر چه فرقی داره با کارهای رضا خان؟! او چادر و چارقد بزرگ را بر سر زنان بر میگرفت و شما چادر و چارقد بزرگ بر سر زنان میگذارید. او بزرگ کلاه بر سر میگذارید و شما کلاه از سر مردم برمی - دارید. مگر تافتی میان کلاه گذاری و کلاه برداری است؟! شما چه کاری به لباس زنان دارید؟ این نیست که عده ای میکوشند با

● آنها چشم بدارند که گروه های انقلابی ایران را مسلح ببینند، همانطور که سردار اسعدها و اسرار الملک ها هم در زمان انقلاب مشروطه چشم دیدن محاهدان مسلح. آن دوره را نداشتند! همانطور که نسی امیه " اسلامی" چشم دیدن گروه های مسلح ساک و مازیار " غیر اسلامی" را نداشتند!

طرح و جنجال سازی سراین مسائل اذهان خلق را از مسائل اساسی کشور منحرف ساخته و بتدریج کارها را به دست دشمنان ملت بهار بابان آمریکائی و روسی یشان به سپارند؟! این عده در ظاهرا با غرب زدگی و یا شرق زدگی مبارزه میکنند، و حال آنکه در باطن از همه غرب زده تر و شرق زده ترند! چنانکه دیده شد بلوای " حجاب" تنها بسود عوامل شاه و بختیا رخا - ئن وسا و کیهها تمام شدت تظاهرات ارتجاعی مسخرهای از زنان شمال شهر در برابر نخست وزیر برای اندازد و به تبلیغات عوام فریبانه خود گسترش دهند.

آیا در زمانی که انقلاب ایران از چهار سو در خطر هجوم انهدا می دشمنان خا - رجی، فئودالها و سرما یه - داران ضد انقلابی و دارودسته های ارتسی و غیر قرار گرفته و توطئه های کودتا و اغتشا - سات داخل یک بیک به آزما - یش گذارده میشود، این نیست که با ندهائی از قمار بهشتی و شرکاء، آیت و سر - کاه، دستجات فریبکاری که قرآن بر سر نیزه کرده اند، مقاصد مشترکی را با عا ملان کودتا و اغتشاش دنبال می - کنند؟!

مردم ایران با دیدن با شند و آجا زه به تفرقه در صفوف خود و انحراف در حرکت انقلابی خود ندهند. ما حتم داریم که این دستجات توطئه گر، که مذهب را دستا ویز مقاصد شومشان کرده اند، ما نندا سلافشان بسرعت منفرد و مطرود خلق خواهند شد.

آیا میدانید که...

* سرگردی که گرداننش را در دره قاسم لوتسلیم کرده است (به احتمال قوی تسلیم با ندهای سیاه و ارتجاعی کرده است) برای محاکمه به تهران آورده سدولی بلا - فاصله آزا سد. همین شخص از زیر زبانش در رفته است که ارتش " آزادی بخش" لیسوی را از اسرا ن شاه پرسسپیه کرده است با اطرپی گوسا - گون برای مشکل کردن آنها با آنها تماس بگیرد.

* در کانون بارنسگان ارتش فعل و ابعا لاسی در دست اسحا م است و عملا در درویش دو حسن سده است. عده ای از اسرا ن حواسی که با کساری و برسسه شده اند گاسوسی به نام کاسون بارنسگان معرفی سنگیل داده اند. ارما هب اس دسه سندی و حریبان داخل آن اطلاعی نداریم.

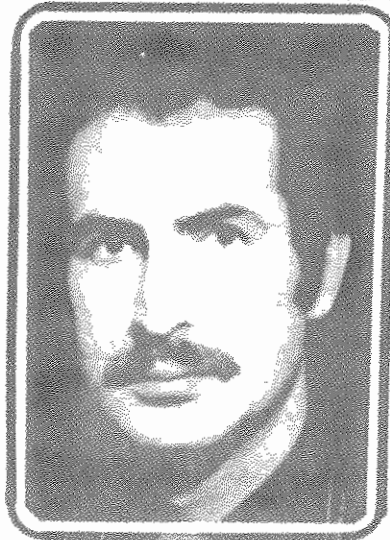
* سرگردی که به عنوان اسر سخن اندولوریک ارتس برای با کساری و رسیدگی به اوضاع درویش ارتس راه هدان رهنه است خود سرگرد گاردجا ویدان بوده است.

* سرگردی که مسئول " جمع آوری شهدای ارتش" میا - شد قبلا مسئول کفس و دمن خانواده ها و اقوام مرای ارتس بوده است و به انداره یک کارتن پرونده اسواط دارد.

کاک صلاح

به کاروان شهیدای راه آزادی بشریت

ستمدیده پیوست



آتش زبا دفته شررا نگیز ترشود
چون می پرا کند خطرا نگیز ترشود
ما شیشه ایم و پاک ندا ریم از شکست
شیشه جو بیشتر شکنند تیز ترشود

تاریخ شهادت
۱۳۵۹/۴/۱۲

در سرگامه پخته ۱۳۵۹/۴/۱۲
ملاح الدین ضمن برهان ، یکی از
کادرهای قدیمی اتحادیه کمونیستهای
ایران ، سبانه کدارستکی سلات
پینمرکه های رحمتکشان کردستان
و مسئول دسررها سادایین شکسلات ،
یکی ازبانه کداران جمعیت های
دموکراتیک در کردستان و یکی از
ساررین حسگی سادایر آرماسهای
خلق کردویک سربارونما دارا راروشن
کمونسسهای ایران دست یکی از
سروررس سساکنگران شهرسها ساد
به شهادت رسد و سده کاروان شهیدای راه
آزادی بشریت سمدیده پیوست .

ساشهادت او ، دسررندگی سربازی
ساده که س مدت ۱۵ سال در راه آرمان -
های مقدس مردم ایران بیکار رسموده
بود سسه سدوجه درد آوراس س بحساک
سپردن عزیزی که فلسش معلول آرزو -
های سخن سیاسته اس .
شهادت او موجی ارتنا ترعمیس
در میان رحمتکشان کردستان خاصه
آسانی که او را میشناسد و همسسه
گروهها و سارماسهای صدیق انقلابی
سراکیجهت ، شیخ عزالدین حسینی ،
یکی از رهبران سیاسی - مذهبی
حسش خلق کردیلافه طه پس اردربافت
حسشهادت ملاح در سارم دنفیس او
شرکت نمود ، ارا و سنوان حواسی
مخلص و حقیقت جو که سارم رندگی خویش
را وقف سارره نمود و بیا لاسره در راه
آرماسهای خلق به شهادت رسد ساد
سمود و ارایساک سپرد ، در میسگی که
سما سب بررگداشت سوسن رورشها -
دت کاک ملاح در شهرهای مهاباد دوسو -
کان سرگزار کردید سساری از گروهها
و سارماسهای انقلابی با ارسنال
پیامهای خویش سادا و ارا گرامسی
داشند و سارادامه سارره در راه تحقیق
آرماسهای کاک صلاح سوگند ساد سسوسو -
سدو هم امروز سیرهمه ایسان متحدانه
برای دستگیری قاتل سساری او -
عثمان حضرریور - و ایجا دیک دادگاه
طلق ساری به محاکمه کشادن ایسن
حاسی فراری و اربابان پشت پرده وی
مجاهدت سسما سیدوما از همسدردی و
همکاری رفقای بیکار ، رزمندگان و ..

رسق ملاح و یارانش راند سارل
یک سماش از پیش طرح ربیری شده ، در
سرگامه پخته سارسرل مسکوسی اس
سبرون کشیدند و سارنلیک رکنار سلسل
کلاشیک که به کلوش اصاس نمود به
شهادت رسد .
رمیق ملاح ارمدها پیش سظار
اسرا منداشت که سقل اش سراسد ،
و اسرا همیشه بیاران خویش کوشرد
سسمود ، و سارری جان برکعب و
آماده شهادت بود ، و بیک میداسب و
خود سیر همیشه یاد او رمیشد که " آزادی
خوسهای شهادت ، او با اینار حوسن
گرم و جوشان خویش سشان دادگه او و
خلق دلورش سرای ساداری ارسنال
آزادی جان شرکت ، آماده اسد .
ساشهادت او دسررندگی اسما -
سی شریف و آزاده که ساسی رسدگی و
حواسی خویش را وقف بیکار سسرای
آزادی میس اش نموده بود سسته شد .

خا صرمعای کومه له که از هیچگونه
کمگی در یخ سوری سد سشکر میسکیم .
دشمنان خلق ایران بیکار در
سال ۱۳۴۹ - در آن زمان که رمیقی
ملاح یکی از فعالین جسش دانشجوئی
در حارج ارکشور بود ، سار اعلام مام و در
رادییو و تلویزیون محدرما ساشسی و
محکوم سمودش به اعدام تصور کرد سد که
قادرسد او را رخلق اش خدا و آزادامه
راه مقدس اش ببارد ارسدولی سخت در
اشتباه سوسد ، کاک صلاح به آرماسهای
خویش وادامه سار ره بیا پیدا رساد ،
امروز سیز دشمنان سوگند خورده ، خلق
کرد و مردوران سیکانگان ، هماساسی
که تلاشهایشان برای نظمیع و کشادن
ملاح به احزاب بیکانه پرستان که
داعیه ، دماج از خلق را سیردا رسد
بی سمرماند ، هماسا سیکه ارا و سنوان
" شته حسش کردستان " یاد سموده و
میسما سید ، و امروز سزار روشن
شدن حقایق سخت هراس سدها سید ساد -
سدکه هر چند کاک صلاح دیگر رسد -
سیست ولی راه او و آرماسهایش توسط
یاران او و دیگر ماریسن سادق پی -
گیری خواه شد و سسپسهای ایسان
همچون نوظفه های ساواک راه بجاشی
توانند گشود و در سراسر ایران رسوا -
یشان حواسها ساد .
کاک صلاح علاوه سربیا ره علیه
امیریا لیسما آمریکا و مشودال سسا و
سرمایه داران دست سشاده آسان ،
علاوه سربیا ره سرحسسه در راه ساسع
خلق کرد و سگ آوردن خود محنتاری
واقعی ، علاوه سرتلاش بر سوسسدادن
حسش ملی خلق کرده سبارره سسرای
آزادی دهقانان و امتزاج اسدو سسا
جسش پرولسری ایران ، اولیس
شخصیت ملی و انقلابی درنا ریخ طلسق
کرد سسد که سدور از هر کومه محاسظه کساری
آشکارا برچم سارزه علیه سوسیال -
امیریا لیستهای روسی و کما شتگان سشان
- از رهبران حاشن حزب توده گرفته تا
رهبران دموکرات - را در
سرزمین گرد پیور کردستان ساهتسزار
در آورد ، سادش حادانه ساد !
در زیر بیام اتحادیه کموسیت -
های ایران ارا شه سده به مینیسگی
مهاباد را مطالعه حواسد کرد ، سسقه
پیامها ارحمله پیام شیخ عزالدین
حسینی ، شکسلات پیشمرگه سسای
رحمتکشان ، کومه له ، بیکار ، رزمسد -
گان ، چریکهای فدائی خلق ایران
(دفتر مهاباد) و بیام حرب کموسیت
ترکیه (بقیه در صفحه بعد)



(ما رکیب - لیبیت) رادر شماره آینده درج خواهیم نمود.

پیام اتحادیه کمونیستهای ایران به میتینگ

مهاباد ۱۶/۴/۵۹، بمناسبت بزرگداشت سومین

روز شهادت رفیق صلاح الدین شمس برهان

ما مله، این سرمایه داری و سویال لیسم دره عمیقی است که خاکستر کمونیستها با آن را برکند

✓ سیخ و حکم کوره راهها و سنگلاخهای بین اسارت و رهایی ستمکشان را بیکر حویلی سجدای حلق و متصل ضروران نهادت بویندگان این راه روشن و قابل عبور خواهد کرد. و رفیق بزرگ ما، صلاح، با ستارگان خود این راه را کوتاه‌تر، این شعل را ضروراً ستور بر حمرج سرح سردر هائی حلقها ما را برافراشته‌تر صاحب، ما مویادش جاودان و گرامی باد.

ما در اینجا گرد آمده‌ایم شما شهادت رفیقی را عزیزداریم که غم از دست دادن سردلها جان سنگین استگینی هر کوه و هر بارگران است. ما در اینجا آمده‌ایم شما همه دشمنان حلقها اعلام کنیم که این پرچم برخاک انسانی نیست، این شعل خاموش ندی نیست و طبعین فریاد این بیکار را تا ما سودی شما نیستان تک لحظه آن را راجح نخواهد گذاشت. ما در اینجا گرد آمده‌ایم شما بخود رفیق صلاح دین خود را به حلق رحمتکش و ستمزده، خود دادگر جان خود را بر سر بیما پس با مردمی گذاشت و ما از امروز و فردا و فردا تا نوبت ما ما هست و همه همچون او در این راه ایستاده‌ایم.

رفیق صلاح یکی از قدیمی ترین کادرهای اتحادیه کمونیستهای ایران بود. اتحادیه‌دانشن حسین رفقای فهرامی اعتقاد میکنند. رفیق، از ۱۵ سال پیش وارد حوض مردم ایران شد، وطنی این ۱۵ سال مبارزه در صحنه‌های مختلف، کوله‌باری از تجربه و آگاهی انقلابی اندوخت که همیشه با بهره‌گیری از این کوله‌بار را مدادگر رفقای حواسترس بود. رفیق صلاح مدتی کوتاه پس از پیوستن به جنبش انقلابی مردم ایران به یکی از فعالترین اعضای جنبش دانشجویی ایران در خارج تبدیل شد و آنچه در جوانی داشت در شکل و بسطی توده دانشجویی کوسید، برای رفیق فعال لب در جنبش دانشجویی هیچگاه اوقاتش کسده نبود، و این بود که از همان آغاز در تلاش با عشق و بی‌مقود راهی بود که او را راهی کند، و با لاجرم او این رفقا و این راه را در سنگلاخ و خط مشی ساز ما با اتحادیه کمونیستهای ایران، یافت. شهید صلاح یکی از ما است. سراسر کادرهای سنگلاخ ما بود که طی سالهای فعالیتش در این سازمان وظایف بزرگ و سنگینی به عهده گرفت و همه را برآ جنان که از یک انقلابی کمونیست انتظار می‌رود به اسامی رفیق، در دوران حلقان و ترور محمد رضا شاه، در راه ما فعال لبهای محقق سازمان در مرز ایران و ترکیه، مسئولیتهای متعددی به عهده داشت و همه را با آگاهی و هشیاری تمام به پیش برد. در آن روزها سازمان ما سبب محرماتناهی - که با کمال تاسف ما امروز شاهدی را رستی سوسپله، مرحومین، توسط گران و اسارتگران بگذردت رسیده هستیم - در همدستی با صفت ترکیه و تحت نظر مستقیم کارشناسان جاسوسی آمریکا و اسرائیل، در هر گوشه منطقه مدها دام برای انقلابیون گم‌نورده بودند، اما رفیق صلاح با هساری انقلابی خود، جان برکف را هسارایی نزلزل ادا می‌نمود و در پی کسب اهداف انقلابی سنگلاختش، ایستاده حطر را به هیچ می‌گرفت. رفیق صلاح، در این سالها در هر کوه همجنس مسئول رابطه اتحادیه با جنبش انقلابی مردم ترکیه و سازمانهای کمونیستی این کشور بود، و به ادعای خود این رفقا، رفقای کمونیست ما در آسوی مرز، همیشه صلاح را رفیقی صمیمی و دلشورا جمله‌یاران خود در میان حویلی احساس میکردند. و

۱۷ امروز چگونه پیام شهادت این رفیق را به آن عزیزان برسانیم و چگونه این غم سنگین را بر دلهاشان بگذاریم؟ ای کوههایی که ما را با رفیقمانسان در آنسوی بیوند میدیدید، ای بادهایی که این هردو خاک را مینوردید و سرنقش عزیزان ما در هر دوسوی میگذرید، شما این پیام خون و پیمان را برسانید که ما را برای آن نیست.

انقلاب خلقها ما را اوج گرفت، رژیم فرتوت شاهی در برابر موج عظیم خیزش خلق به لرزه درآمد، و سنگرها هر روز گرم و گرم‌تر شد. رفیق صلاح خود را به ایران رساند. این آرزوی دیرین او بود که امروز داشت تحقق می‌پذیرفت و او نیز ما را لانه در تسریعش شرکت جست. رفیق از همان روزهای آغاز کار به متشکل کردن مردم پرداخت. او کسی بود که کارخانه کردستان اتحادیه را آغاز کرد. و دست در دست دیگر رفقای ما، تا بدینجایش رساند. شهید صلاح در اینجا دجمیتها

در ما با دو چند شهید دیگر تقنی فعال داشت و تا زمانی نیز که این جمعیتها بر بودند نقش ما زمانه‌ها را نگاهشاینده خود را در آنها ایفا کرد. و با لاجرم رفیق صلاح به یاری دیگر رفقای ما و بخشی از پیشمرگان را بیکار کرد، تشکیلات پیشمرگه‌های زحمتکشان را بنیان نهاد تا آخر در این سنگر کنید. تشکلیات پیشمرگه‌های زحمتکشان تیلور خواستهای او در صحنه کردستان بود و او را برای ما و برای مردم دلیر کرد همیشه زنده نگاه خواهد داشت. به پاس ارج نهادن بر یاد این رفیق بزرگ، این سنگر را در پیگا رعلیه امپریا لیسم و ارتجاع هر چه گرم‌تر نگاه داریم.

عشق رفیق صلاح به زحمتکشان و وحوش با زندگی سخت و رقتیارتان تا آن حد بود که هر کس را تحت تا شیر قرار میداد، رفیق بیشتر وقت خود را در روستاها و در بین دهقانان میگذراند و نگاه هفته‌ها میشد که او را در شهر نمی‌دیدید. به روستا میرفت، با دهقانان مینشست و میکوشید تا در غم و تا دینان شریک باشد. آن زمان که فئودالها به تصد گرفتن زمینها از دهقانان روستاهای کردستان سرا ریزند و با اتکاء به سلاحها و پشتیبانی مرتجعین و تنبها رانی چون ظهیر نژادها، فلاحیها و چمرانها به ما مردم فقیر کرد افتادند، رفیق صلاح از جمله کسانی بود که به یاری دهقانان شتافت، او در اکثر جنگهای ضد فئودالی شرکت کرد و با شهادت تمام در سنگر زحمتکشان ایستاد و پای فشرد. رفیق صلاح در اتکاء به توده دهقانان و پای فشردن سرچ انقلابی مسئله زمین ادا شده دهنده، راستین راه سلیمان معینیها، ملأ و راهها و شریف زاده‌ها بود، او اعتقاد این خط سرخ مقدس شد. با رفیق صلاح را دهقانان فقیر کرد در فاشوش سخاوتند کرد. طنین چنچه مسلسل رفیق صلاح در کوههای سربلک کشید. ده کردستان همیشه بگوش خواهد رسید، آنجا که اینچنین توطئه‌گران خون پاکش را ریختند و بداند که صلاح در کنار تک دهقانان کرد زنده است، صلاح در اشک و لبخند کودکان معصوم کرد زنده است و این خون اوست که با سادار منافع خلق خواهد ماند.

غم از دست دادن رفیق صلاح، رفیق که سبیل سود در بر کار، سبیل بود در وفات و سادگی، سبیل بود در وحدت طلبی و سبیل بود در پاری فشاری بر خط صحیح، آری غم از دست دادن رفیقی این چنین، بر دل ما چون کوهی عظیم و عظیم ترا زگوه سنگینی میکند. چرا که صلاح همیشه بود در تمام طول مبارزاتش بر اصولیت انقلابی خویش پای فشرد. او مبارزه برای ما بود، امپریا لیسم جنا بیکار روجها و نخوار آمریکا و مزدوران داخلیش را در سر لوجه کار انقلاب ایران میدانست، حل انقلابی مسئله ارضی را جزئی جدائی ناپذیر از انقلاب ایران و مایه اصلی و محتوای انقلابی خود مختاری برای خلق کرد میدانست، او بدحیاتی بودن موضعگیری درست و پای فشردن انقلابی بر آن در برابر توطئه‌گریها و تجا و زکا ریهی امپریا لیسم آمریکا و سویال امپریا لیسم روس و عمال مزدوران و جاسوسان ایرانی از مصمم قلب ایمان داشت. او مبارزه خلق و جنبش توده را نه دستاویزی برای طمع ورزیها و وسیله بیاندیهای خائن و مزدوری چون قیاده موقت، سپاه زرگاری، حزب توده و... در راه خدمت به اربابان آمریکائی و روسیها، بلکه زمینه‌شی جهت به شمر رساندن آرمانهای مقدس خلقها در جهت کسب استقلال و آزادی کامل از قید هرگونه وابستگی میخواست.

صلاح مبارزه خلق کرد و سرنوشت این بیکار را از سرنوشت مبارزه همه خلقهای ایران جدا نمیدانست. او در عین حال که در برابر برتیا جم فاشیستی و جنگ تحمیلی ارتش شاهي و سپاه پاسداران در جبهه مقاومت خلق کرد ایستاده بود، هرگز خطر آنها جم امپریا لیستها، خطر بروز یک کودتا و خطر بازگشت سلطه تقیه در صفحه بعد



دوباره امپریالیستها را فراموش نمیکرد، او هرگز این مبارزه را یکجا نماند. هم آنها را که همه بیانه خطر کودتا در آستان بورژوازی خاثن زانو زدند، محکوم کرد و هم آنها را که با مطلق کردن آنچه از جانب جناح های فاشیست و مرتجع هیات حاکمه در گردستان میگذرد، امپریالیسم آمریکا و خطر کودتا پیش را نکلی نماندیده میگیرند، او همه خطرات را سیدید، و این بود که از همان ابتدای کار ریشدرتلاش بوجود آوردن یک جنبه انقلابی، مستقل از همه نیروهای وابسته و بدورا زهرگوشه گرایش سوابق درشیا و بیگانگان بود، اوچ این تلاش شهید در روزهای پیش از تاش ساول در گردستان بود که سنگهای سیار در راهش انداختند. حرکت استوار رومدا و رفیق بر روی خط درست و نهرا سیدنش از مشکلات این راه و سازش نا پذیریش با تمام کسانی که جنبش خلق را وثیقه آزمندیهای خود و وسیله خوش خدمتی سوار با بان خود میدانستند، صف دوستان و دشمنان او و خلقش را هر چه روشن تر و روشنتر کرده است.

امروز دیگر صلاح در میان ما نیست، صلاح طعمه یک توطئه ردیلانه شد. و حال با بیدیدجه کسانی از این امر غمگینند و چه کسانی خرسند؟ زحمتکشان سراسر ایران و خلق قهرمان کرد، از دست دادن این مدافع پیگیر حقوق خود را سوگ میدارند. کمونیستهای ایران، سازمانهای انقلابی گردستان، تمامی پیشمرگه های نرافتمند و انقلابی کرد، و سویزه اتحادیه کمونیستهای ایران، تشکیلات پیشمرگه های زحمتکشان و خانوادده شهید در غم سوگ از دست دادن این عزیزند. همه آنها را که مسازات اصولی صلاح در خدمت تحقق آرمانهایشان بودا مروغمگینند و ما به این انبوهی را ن صلاح فقدانش را تسلیمت و شهادتش را شادباش میگوئیم.

اما چه کسانی شادمانند؟ همه آنها را که صلاح و مبارزاتش را برای خود، برای اهداف پلید و سودجویانه خود و برای منافع شوم ربا بان خسود خطرناک میدیدند، از این امر خرسندند. باندهای ارتجاعی و مزدوری کسه امروز غرب وطن ما را به جولانگه خود تبدیل کرده اند، بانند جنایتکار رومزدور علی قاضی که از یک سو دستش در دست پاییز با آنها و ویسیها و از سوی دیگر در دست خاثنین حزب توده و... است از این امر خرسندند.

همه عوامل امپریالیسم جنایتکار آمریکا و سوسیال امپریالیسم توطئه گر روس از این امر خرسندند. جنگهای جاسوسی ابرقدرتها، عاملین ناپاک آمریکا و روس، سازشکاران و معامله گران بر سر منافع خلقها، از این امر خرسندند. ضد انقلابیون و مرتجعین به قدرت رسیده، سران فاشیست و شاه پرست ارتش و جریانات مرتجع و فاشیست درون سپاه پاسداران، وحاشای منفور و خود فروش از این امر خرسندند. جانیان و فاشیستهای بعضی که روشنگریهای رفیق صلاح را برای خود خطری میدیدند، از این امر خوشحالند. از این امر خرسندند همه آنها را که در وجود رفیق صلاح مبارزی پیگیر و کمونیستی آگاه را میدیدند که خطری جدی را علیه منافع فدا خلقی آنان تشکیل میداد، به این صف و اعدا ضد انقلاب هم که با تمامها همگونیهای ظاهریشان و با تمام اختلافاتشان بر سر غارت خلقها، در امر سرکوب انقلابیون راستین متحدند، همدار می دهیم که شادمانند که بیدار نخواهد بود. راه صلاح، نه تنها راه صلاح و صلاحها، که راه همه خلقهای ایران است. و آنان که در مقابل خلقها قرار گیرند، سرنوشتهان جز نابودی سنگین و محتوم چیزی نخواهد بود.

امروز صحنه وطن ما، شاهد بر روز جریانات خطرناک و بی حساسی است. کودتاگران بسرعت در حال تدارک یک کودتای امپریالیستی در راه است. گرداندن سلطه شوم آمریکا بر این کشور ستمزده اند. خاثنین و و طغفروشانی چون شاپور بختیار، ویسی، پالیزیان، سردار رجاف و... بهره های سپاه این بازی خطرناک امپریالیسم آمریکا بند. جناحهای ازدولت و ارتش محمد رضا شاه، پایه های این کودتا بیند و تحریکاتی نظیر آنچه از سوی فاشیستهای بعضی در بخشی از خاک وطن ما صورت میگیرد، و امتداد آن توسط مزدوران مخفی و آشکار در سراسر کشور زمینه ساز این کودتا و جان همانداختن مردم، به راه انداختن جنگهای برادر کشی، ایجاد ناامنی و اغتشاش و بلوا و آشوب و نومید کردن مردم وسیله و راه تدارک این کودتا است.

درگنا را این جریان سوسیال امپریالیستها نیز بسرعت در پی متشکل کردن اردوگاه خویشند. آنچه امروز در این کشور در جریان است، حرکت های حزب توده، قطب سندی شدن برخی جریانات، به راه افتادن هزاران جاسوسی روسی، در آنسوی مرز زرشمار "حزب فقط حزب الله" که تا زده پس از دهها سال پادشاهان اقتادهای ایران وطن آنهاست و سایدیون با زگردند. اینها همه نشانه های متشکل این اردوگاه خطرناک و ضد ایرانی است.

دولت "جمهوری اسلامی" نیز تمام همش مصروف سرکوب نیروهای انقلابی، تنها به گردستان قهرمان و قتل عام مردم قهرمان و مبارز کرد، منحل ساختن سازمانهای انقلابی، خلق سلاح مردم و در یک کلام نابود کردن همه کاروانهای مقاومت علیه کودتا بوده، سندی ترتیب خود جا ده صاف کس کودتا است. و ازدولتی با این ترکیب و از چنین معنوی چه انتظاری جز ایس میتوان داشت؟

انقلاب در معرض ناسودی است. امپریالیستهای جنایتکار، سرمایه داران وابسته، فئودالیهای شهبکار و تمامی باندها و جریانات مرتجع امید به نابودی این انقلاب ستمه اند، و آنچه در سراسر تمام این خطرات میتوانست مقاومت کند، وحدت تمامی خلقهای قهرمان ایران است. مردم دلاور گردیا سد در اتحاد با مردم سراسر ایران، پایه های این وحدت مقدس را ریخته سرزمین خود را به یکی از کاروانهای مقاومت و سازش علیه همه خطراتی که از جانب امپریالیسم آمریکا، سوسیال امپریالیسم روس و مزدوران ایران نشان انقلاب ما را تهدید میکنند، مبدل سازند. در سراسر ایران با بیدیدجه مستغل خلق در برابر سیگانگان و عواملشان بوجود آید. سایدار تشدیدتفاهلهای از دامن زدن به هر حرکتی که امپریالیستها و عواملشان بپندارند از آن بهره گیرند، دوری جست و به پیروی از همین سیاست صحیح است. با بیدیدجه سایدیونگ تحمیلی گردستان هر چه زودتر متوقف گردد؛ با بیدیدجه سایدیونگ مردم، بویرانگریهای ارتش و سپاه پاسداران و محاصره اقتصاد و نظای این این منطقه هر چه سریعتر با یان داده شود. ادا به تجا وزارتش و ادا به تحمیل این جنگ به خلق کرد، تنها و تنها در خدمت امپریالیسم و جریانات کودتا شای است. این انقلاب محکوم است که یا راه خود را ادا مدها ده به پیروزی نهائی برسد، و یا شکست خورده ما کام کرده. و این تنها و تنها وحدت انقلابیون و وحدت طبقه است که میتواند زفا جعه شکست جلوگیری کرد. با بیدیدجه امپریالیسم آمریکا بطور کامل از این کشور بیرون انداخته شود. با بیدیدجه عوامل امپریالیستها نابود گردند. با بیدیدجه نفوذ قدرت بیگانه به این کشور مسدود گردد. با بیدیدجه ما کام استقلالی یافته، خواستهای دموکراتیک خلقها مان سر آورده گردد و راهی جز بیکارنا آخرین نفس در راه تحقق این اهداف مقدس پیش پای ما نیست. دشمن سلاح خود را تیز میکنند و هر کس نا ظریب نفاوت این امر با شاد قربانی سی آزار آن خواهد شد. ترور رفیق صلاح هشدار است به همه کمونیستها، به همه نیروهای انقلابی و به همه مردم ایران.

رفیق صلاح نمادنا تحقق آرمانهایش را بسند. رفیق صلاح نمادنا در جشن استقلال کامل ایران شرکت کند. رفیق صلاح نمادنا آزادی کامل اسرانب و ایرانی را ببیند. رفیق صلاح نمادنا راههای دهقان ایرانی را رستم آریا بان نشودال ببیند. رفیق صلاح نمادنا آزادی خلق کرد و خود ساختاری و اتعی گردستان را ببیند. رفیق صلاح نمادنا تحمیل آرمان مقدس و وحدت کمونیستهای ایران و ایجاد حزب طبقه کارگر ایران را شاهد با بند و نمادنا امتزاج انقلابی جنبش ملی و جنبش طبقه کارگر ما را ببیند. عمر و معلمان سلاح دوام نیارودنا شاهد راهی نهایی وطن و ساحتما سوسیالیسم در اسی آسیده حیات و ررم طبقه کارگر و زحمتکشان میهمان باشد. ولی یاد آورده و جا وند است. با الهام ارحبات سراسر مبارزه اش موقع را مفنم شمردده دعوت میکنیم از همه کمونیستهای ایران، از همه نیروهای انقلابی ایران و از تمامی مردم میهمان و خلق دلاور کرد، که در راه هر چه سریعتر متحد کردن صفوف خود کوشیده، تداوم انقلابمان را در پرنو بیگاری امان و هشاری انقلابی خود تضمین نمایند.

یکبار دیدگرای خون شهید بررگمان رفیق صلاح عهد و پیمان میبندیم و به دشمنان خلق هشدار میدهمیم که اگر تاوان پای فشردن بر اصول، اگر تاوان وفادارماندن به خلق، اگر تاوان سازش با پذیری بادشمنان مردم و اگر تاوان زمین بگذاشتن سلاح در خون خود در غلطیدن است، تک تک اعصاب و هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران، تمامی اعضای تشکیلات پیشمرگه های زحمتکشان و همه یاران و رفیقان شهید صلاح هرآن آماده پرداح با ایمن تاوانند.

گزارشی از مجمع عمومی "شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز" در

رابطه با افشاگری از شخصی بنام

"دکتر حیدری"

۸ میلیون ریال پول نزولی به دکتر فامیلی می‌دهد که مبلغ ۲ میلیون ریال از این بابت نزول دریافت میکند. مسلمان و رباخواری؟؟!

دیگری مدرکی در مورد تجلیل از روز ششم بهمن بود که با خط دکتر حیدری نوشته شده است. در مدارک دیگر که موجود است مشخص شده است که این شخص کلاه بردار هم بوده و بارها چک بی‌محل کشیده. که یک نمونه آن چکی به شماره ۲۷۷۹۷۱ بانکی اصناف مورخه ۵۴/۲/۲۷ بمبلغ ۱۴۵۰۰۰ ریال می‌باشد. دکتر حیدری (مهدی راهنما هزاوه‌ای) یک بار در سال ۵۲ به مدت یک سال و در سال ۵۵ برای همیشه بعلت سوء استفاده مالی و کشیدن چک بی‌محل از وکالت منع می‌شود.

شورای... تما سهای زیادی با مقامات مسئول در تهران داشت که کلیه مدارک موجود در مورد دکتر حیدری را نیز ارائه داد ولی تا کنون اقدامی در مورد این شخص صورت نگرفته و ایشان هنوز در رابطه با دادستانی کل انقلاب آقای قدوسی مشغول کار است.

در ضمن کلیه مدارکی که در مورد دکتر حیدری از طرف شورای... جمع آوری شده بود از هر کدام نسخه‌ای به تمام خبرنگاران حاضر در مجمع عمومی تحویل داده شد.

در پایان مجمع عمومی قطع نامه ۵ ماده‌ای قرائت شد که مورد تأیید نمایندگان شورای داخلی و کارگزاران قرار گرفت. در این قطع نامه نمایندگان از طرف خود و کارکنان صنعت نفت خواهان مجازات افراد خائن و فرصت طلبی چون دکتر حیدری شدند. همچنین خواهان جلوگیری از خروج وی از مملکت شده و از مقامات مسئول خواستند که پرونده‌های این شخص در رابطه با سوء استفاده مالی و ناصالح بودن وی را افشاء کنند. در پایان قطع نامه یادآوری شد که پاکسازی افراد خائن و وابسته به رژیم منحط پهلوی بطور انقلابی ادامه خواهد داشت.

در پایان مجمع عمومی نمایندگان شورای داخلی و کارگزاران خواستار افشاء معین فرسند که از طرف شورای مرکزی گفته شد در آینه مدارکی که در رابطه با معین فرسند موجود است نیز افشاء خواهد شد.

در ضمن عده‌ای از نمایندگان عمل دادستانی کل انقلاب در رابطه با عدم تعقیب و مجازات دکتر حیدری و اینسه وی هنوز مشغول کار است محکوم کردند.

از سوی شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز در تاریخ دوشنبه ۱۹/۳/۵۹ مجمع عمومی در ارتباط با افشاگری معاون دادستان کل انقلاب، در محل آتش نشانی شرکت نفت برگزار شد. در این مجمع عمومی نمایندگان شورا - های داخلی و کارگزاران شرکت داشتند. در ضمن خبرنگاران روزنامه‌های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، صبح آزادگان، اطلاعات، با مداد، مجاهد و دیوتلوویزیون و خبرنگاران ری پارس شرکت داشتند.

افشاگری در مورد شخصی بنام دکتر حیدری بود که در جریان افشاگری مشخص شد نام واقعی این شخص مهدی راهنما هزاوه‌ای می‌باشد.

شورای... که بعد از قیام جریان پاکسازی عناصرو وابسته به رژیم منحط پهلوی را دنبال می‌کرد با مشکلات و کارشکنی‌های زیادی روبرو بود. تا اینکه با دکتر حیدری (مهدی راهنما هزاوه‌ای) آشنا شد. این شخص که خود را نماینده تام‌الاختیار دادستانی کل انقلاب میدانست، در اولین جلسه‌ای که با اعضای شورای... در تهران داشت طوری خود را نشان داد که توانست اعتماد نمایندگان شورا را جلب کند. بدین صورت که حدود ۱۰۰ پرونده از افراد مشمول پاکسازی که از طرف شورا ارائه شده بود با اینکه بعضی از پرونده‌ها وقت زیادی برای مطالعه احتیاج داشت، دکتر حیدری (مهدی راهنما هزاوه‌ای) بلافاصله حکم اخراج، تعلیق، قطع حقوق و مزایا و حتی زندانی شدن بعضی را صادر کرد. که این حرکت را شورای... استقبال کرد. البته این جریان فقط یکماه ادامه داشت که بعد از این مدت همین شخص حکم برائت افراد مشمول پاکسازی را صادر کرد و آنها به سرکار بازگشتند و در تاریخ ۱۷/۱/۵۹ تلفن گرامی به سرپرست مناطق نفت خیز فرستاد که در آن ۶۹ نفر از افرادی که قبلاً پاکسازی شده بودند و حتی زندانی بودند مورد عفو قرار داده و دستور بازگشت به کار و پرداخت حقوق و مزایای آنان نیز صادر شد. مانند: علی اشرف گرامی، کورس پارسائی و... وقتی که شورای... ما هیئت این شخص را شناخت شروع به تحقیق نمود که مدارکی از دکتر حیدری (مهدی راهنما هزاوه‌ای) بدست آورد که بطور خلاصه به شرح زیر است: نام واقعی این شخص مهدی راهنما هزاوه‌ای می‌باشد، در رابطه با شرکتی به نام ران وی که پیمانکار شرکت نفت بوده، شخصی به اسم دکتر فامیلی از اداره مهندسی و ساختن از شرکت نامبرده پولی دریافت میکند که این امر سبب برکناری دکتر فامیلی و انحلال شرکت ران وی شد. دکتر حیدری توانست حکم برائت این شخص را (محکومیت این شخص قبلاً به تصویب گروه پاکسازی نیز رسیده بود) صادر کنند و دستور پرداخت مطالبات چند میلیون تومانی آن شرکت نیز صادر شود و دکتر فامیلی نیز با حفظ سوابق در شرکت نفت به سمت استادی در دانشگاه تهران مشغول کار شد. در همین رابطه مدرک دیگری موجود است که در آن دکتر حیدری مبلغ

به دفاع از شرکت حفاری بر خیزیم و توطئه های رنگارنگ بر علیه کارگران

مبارز را درهم شکنیم

هشدار به تمامی کارگران مبارز!
هشدار به تمامی انقلابیون و مردم
آزادخواه!

به حسن نزیه خائن ندارد .
سوما : شورای حل اختلاف را به چه دلیل میخواستند تحت
تعقیب قرار دهند؟ ای کارگر قهرمان وای مردم
مبارزیدانید که شورای فوق را به این دلیل
تحت تعقیب میخواستند قرار دهند که ایشان ۵۰۰۰
کارگر که در تمامی دوران سیاه دیکتاتوریت تحت
شدیدترین استثمار و غارتگری شرکت های امپریال
یالیستی قرار داشتند استخفاف کرده و به کارگر
انقلابی مبارز بابت سابقه کار آن مختصر حقوقی
پرداخته که آنهم حق مسلمشان بوده . آری کارگر
قهرمان وای مردم زحمتکش در زمانیکه
خطریک کودتای امپریالیستی کشور را از همه سو
تهدید میکند ، این جاده صاف کنهای امپریال
لیسم یورش به دستاوردهای انقلاب را آغاز کرده
اند و مشخصا لبه تیز حملاتشان را متوجه شرکت
حفاری کرده اند .

باید کسانیکه تحت تعقیب قرار گیرند و طبق معمول به
بند کشیده شوند که سدره تا سیس شرکت ملی حفاری شده اند و
خواهان وابسته کردن کشور به بیگانگان هستند نه کارگران
قهرمان و شورای حل اختلاف که خواهان تداوم انقلاب و
خواهان مبارزه با امپریالیسم آمریکا هستند و اگر کسی با
یستی تحت تعقیب و پیگرد قرار گیرد و به محاکمه کشیده شود
امثال باندهای ضد انقلابی حاکم و مشخصا خود استانداران و مدیر
کل اداره کار و معین فرها میباشند و باید توسط توده های
کارگر و مردم قهرمان ایران محاکمه و مجازات شوند .

به دفاع از شرکت ملی حفاری بر خیزیم و توطئه های
رنگارنگ بر علیه کارگران مبارز را درهم
شکنیم!

۵۹/۴/۴

عده ای از کارگران شرکت ملی حفاری - اهواز

کاک صلاح ۵۰۰ بقیه از صفحه ۱۳

افتخار به شهید عزیزمان رفیق صلاح
درود بر همه شهدای قهرمان خلق کرد و
خلقهای سراسر ایران .
ننگ و نفرت بر تمامی عوامل اسارت
خلقها

با ایمان به پیروزی
اتحادیه کمونیستهای ایران

چندی است که مقامات حاکم یورش وسیعی را بر علیه
دستاوردهای انقلاب و مبارزات مردم و کارگران آغاز کرده -
اند . شورا های کارگری مبارز که از دل انقلاب و مبارزه کار
گران بوجود آمدند ، مرتباً به بیانه های ضد انقلابی تحت
حمله اند ، هنوز قوانین طاغوتی بر جان و زندگی کارگران
حکم فرماست ، هر جا که کارگران موفقیتی کسب کرده اند ، به
انواع واقعا محیله ها و تیرنگها در مدد لگدمال کردن آنها
هستند . مادرزیر با استناد به اطلاعیه عده ای از کارگران
" شرکت ملی حفاری ایران " به یکی از این توطئه های ضد
انقلابی اشاره میکنیم .

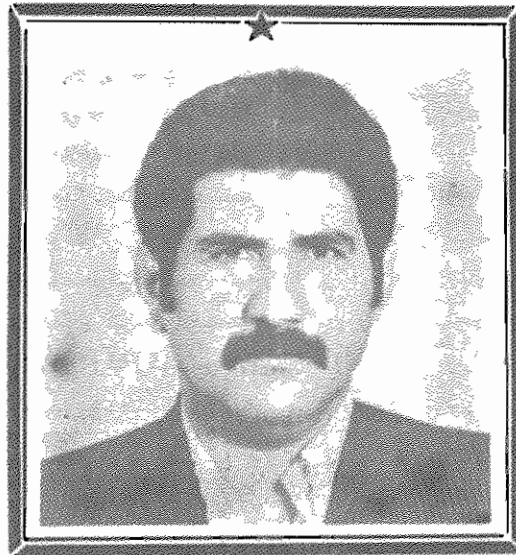
لازم به گفتن است که " شرکت ملی حفاری ایران " به
همت کارگران مبارز چندین شرکت حفاری وابسته به امپریال
لیست ها پس از اشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا در
تهران و همگام با مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران بود
جود آمد و دستاوردهای مهم کارگران میباشد . این شرکت
دارای ۵۰۰۰ کارگر میباشد که در طی مبارزات خود ، به
استخدام شرکت نفت درآمدند . حال استانداران خوزستان تو
طئه ای در تدارک داران این دستاوردها را لگدمال کنند و
بهانه اش هم اینست که این کارگران در دوران نزیه خائنین
رسمی شده اند!! در زیره بخشی از اطلاعیه کارکنان شرکت
ملی حفاری ایران توجه کنید :

چندی پیش در جلسه بررسی نیازهای خوزستان (البته
با حضور مقامات استان) مقامات استان یکی از نیازهای
مبهم خوزستان را بدینجهت مطرح میکنند : " از جمله مسایل
مهم دیگری که در این جلسه به آن اشاره شد موضوع ۵۰۰۰ کارگر
بود که در چند ماه گذشته یعنی در زمانی که حسن نزیه مدیریت
عامل شرکت ملی نفت را بعهده داشت مبلغ یک میلیون و
دویست و پنجاه هزار تومان با تأیید شورای حل اختلاف به
آنها پرداخت شده و سپس همین عده در استخدام درآمده اند .
استاندار اعلام کرد که آن شورا را تحت تعقیب قرار خواهد
داد و از مدیرکل کارستان خواست در یک برناممه تلویزیونی
اسناد موجود را به مردم ارائه دهد تا یکی دیگر از جنایت های
دشمنان انقلاب اسلامی بر همگان روشن شود . " (نقل از
اطلاعات ۵۹/۳/۱۹)

اولا : حسن نزیه جاسوس راجه کسانیکه بر سر کار آوردند ،
کارگران قهرمان ایران یا این باندهای ضد
انقلابی حاکم ؟

دوما : شرکت ملی حفاری را خود کارگران با مبارزات
پیگیر برای قطع وابستگی ها با امپریالیسم
آمریکا تا سیس کردند و استخدام آنها هیچ ربطی

دوستاره از آسمان انقلاب ایران جاودانه شدند



را روشن کند. او بایستی غذای خا -
نواده را هم در میآورد از آنچه که بخوا -
نواده پدری با ید میرسد چه بسا میگرفت
وبه خویشان و اطرافیان فقیر میداد.
ولی خوب میدانست که این کمکها نمی -
تواند گره اصلی زحمتکشان و ستمدید -
گان را بگساید. او باید آگاهی می -
داد و روشنایی میبخشید. روحش متلاطم
بود. تمام فکرنش را بی این انسانهای
شریف بود. این توده های زحمتکش و
و این ستمدیدگان که ستون انقلابند
باید رها شوند. میدید که مستی انکسل
برگرده این ستمدیدگان سوارند. شلاق

را بر پست اینان بخوبی حس میکرد و میدید که اگر زحمتکشان
آگاه شوند، اگر کارگران و دهقانان متشکل و متحد شوند.
کا خهای این ستمگران را ویران میکنند، ظلم را از جهان می
رویند و بدنبالش رهایی انسان از هرگونه قید و بند و ظلم و ستم
خواهد بود. پس به سنا گردانش به آنچه که می اندینید میگفت.
سا واکیهای رژیمناهنمیکذاشتند و در یک مدرسه مدت مدیدی
بماند و مدارس را عوض میکردند تا بخیال خودشان
نتوانند تیرزیا دیگذارند! او ضمن تدریس و آگاهی دادن
تشنه فراگیری بود و تشنه خدمت بیشتر. دردهای ستمدیدگان
زیاد بود و او بسنده کردن به همین قدر را کافی نمیدانست.
بدانشگاه رفت. رشته پزشکی را انتخاب کرده بود تا دردهای
جسمی تعدادی از مردم را هم درمان کند. دانشجوی پزشکی
دانشگاهها هوا زبود در آن دوره در دانشگاه زمینه فعالیت سیا -
سی بر علیه رژیم شاه برایش بازتر شد. با بقیه دانشجویان
مبارزه مگام شد. بارها بازداشت شد، بزندان ساواک رفت و
با مبارزات و حمایت دانشجویان دوباره آزاد میشد. هر بار
که از دست ساواک در میآمد در تصمیم خود محکمتر میگردد و دید که
باید ریشه هر ظلم و ستم برکنده شود. برای اینکار چشمانش نه
بدانشگاه بلکه زحمتکشان دوخته شده بود و ابتدا، در سال
۵۴، پزشکی بیمارستان جندی شاپور شد بعد از مدتی استعفاء
داد و پزشکی آموزش و پرورش شد و یوسونگر در رفت.

آنانکه بسر قبر دکترو در روز سوم شهادتشان رفته بودند.
خوب بیاد دارند که زنان فقیری که از سونگر آموخته بودند
چگونه مویه میکردند و از داغ از دست دادن یک یار و یک حامی
و خدمتگزار را شک میریختند. بلی دکترو در سونگر تا آنجا که
قادر بود دردهای زحمتکشان را تسلی میداد، در این راه نه
تنها یولی از آنان نمیگرفت

اگر دوستاره از آسمان انقلاب
ایران بحکم " دادگاه انقلاب اهواز "
" خاموش " شدند ولی آسمان انقلاب
ایران پرستاره است.
آنانکه گردانی چون گل سرخیها،
روزبهها، تره گلها و... را بجوخه
اعدام سپردند تا بخیال خود این یاران
زحمتکشان رانا بود کنند بعدا دیدند
که زحمتکشان ایران زمین بی یار
نماندند. هزاران انقلابی جانباخته
فکرها را و راه آنها را دنبال کردند.
هزاران انقلابی در خدمت توده زحمت
درآمدند و جان برکف با عشق به زحمت
کشان براه انقلاب ایران و براه استقلال و آزادی ایران
گام نهادند.

دشمنان انقلاب ایران، دشمنان کارگران و زحمت -
کشان ایران بداندا کرد کتر نریمیا و مهدی را سبانه بجوخه
اعدام سپردند ولی اینان برای زحمتکشان و پویندگان راه
آنها نمرندند. بلکه در آسمان انقلاب ایران جاودانه شدند.
خون آنها و هزاران شهید دیگر انقلاب میجو شد و درخت انقلاب
ایران را بارور میکند.
دکتر اسما عیلم نریمیا از میان زحمتکشان برخاست،
با زحمتکشان بزرگ، بخدمت زحمتکشان در آمد و در راه زحمت
کشان شهید شد.

او معر فرهنگی، فقر غذایی و ننداری و ستم را با گوست
و پوست خود از آغا زندگی لمس کرد. در هفتگل در خانوادهای
کارگری در سال ۱۳۲۴ بدنیا آمد بعلت فقر در سال اول دبستان
را به مدرسه نرف و در خانه درس خواند. بعلت فقر غذایی و
بهداشت در دوره دبیرستان به مرض سل مبتلا شد. دو سال در
بیمارستان مسلولین بستری بود. دکترو نریمیا فقط تحت
تا سیر فزوننداری خانواده خود نبود، فقط دردها ورنجهای
خود و رانمی آزد، و تنها وضعیت خود و خانوادهاش او را متاثر
نمی کرد. او از جاهش و محیط دوروبرش بیشترین تاثیر
را میگرفت. شیدا " از ظلم و ستمی که بر زحمتکشان میرفت
متاثر بود، ستمی بر میلیون ها انسان زحمتکش و خانواده
زحمتکش زیر یوغ امپریالیستها، سرما به داران وابسته و
انگل و اربابان مرتجع میرفت از این رو با ید میخروشید،
میخروشید بر علیه این ستمها. با ید روح و جسمش در خدمت به
آزادی این توده زجر کشیده در میآمد. او معلم شد تا چراغی
با سد و از این راه شعله بدهد و روشنایی، و راههای تاریک

بجسم آنها تسلی میداد بیک چیز میماندیشید، به آزادی زحمت کشان. به آن زمانی که زحمتکشان بر سرنوشته خودشان حکم برانند. به آن روزی که از دستگیری هیچ خبری نباشد.

در زمان حوادث دانشگاه، دکتر به کمک زخمیها شتافت دانشجویان زخمی در بیمارستان جندی شاپور محتاج مسدا و بودند. بوسیله ضدا انقلاب مرتجعین شناسایی شد. شاپور قبل حکم دستگیری را صادر کرده بودند. همانها که در رژیم شاه دشمن زحمتکشان بودند. همانها که در سوسنگرد در تعقیب بودند همانها که در زمان انقلاب حکم تیرزدن به مردم مبارزان را صادر میکردند. چکمه پوشانی که بیمارستان جندی شاپور را در زمان رژیم شاه به گلوله بستند. همانها که میخواهند در راه سوسنگرد - اهواز ترورش کنند. همانها که حکم دستگیری را صادر کرده بودند از همان موقع حکم اعدامش را هم نوشته بودند. "جرم" دکتر نریمیا خدمت به زحمتکشان بود، این با دشمنان زحمتکشان و انقلاب ایران که تحت پوشش اسلام کار میکنند و قومه وژ - ۳ بدست میبروراند حکم دستگیری او را صادر کردند.

در زندانها دوباره با ایدانقلابیون صادق جا بگیرند. ساواکیها آزاد شوند. یعنی انقلاب بشمر نرسیده. یعنی که انقلاب دوباره قدرت میگیرد. یعنی که زحمتکشان آزاد نشده اند و برگردند آنها شلاق ستم فرود میآید بدست همانها که در رژیم شاه شلاق را فرود میآوردند.

این انقلاب خون میخواهد. خون گلسرخیهها، دکتر رشوندها، نریمیاها و علویها و خون هزاران شهید دیگر کافی نبوده خون من و شما را میطلبند. راه آنها ما را میطلبند... تا از خاکستر ما کمونیستها این دره عمیق بین ستم و آزادی بر نشود به سوسیالیسم ورها بی انسان نمی رسیم... آری دکتر را دستگیر کردند. همراه با صدها دانشجوی آزادیخواه و مبارزان بزدان بردند. در زندان شهرداری زمانیکه با سداران دانشجویان بیدفاع را گلوله بستند دکتر هم آنجا بود و مهدی علوی هم چون در اعتراض به این اعمال جنایتکارانه صدایشان از همه رسا تر بود از بقیه جدایشان کردند. دکتر نریمیا قبل از دستگیری بعنوان گذارندن دوران تخصصی ارتش و جندی شاپور شاپور ره ۱ مشغول کار بود. بعد از قیام در این بیمارستان کمیته ای بریاست شخصی به اسم "لر" بوجود میآید. آقای لر شخص منحرفی بود و ضمناً با قداره بندان وژ - ۳ بدستاش هر وقت اراده میکرد هر بیماری را از بیمارستان بیرون میکشیدند و بیما رستان از هیچگونه منیتهی برخوردار نبود پزشکان هم بوسیله این افراد منحرف مورد تهدید قرار میگرفتند. بارهبری دکتر نریمیا و اعتراض دکترها و وزیدنتها کمیته از بیمارستان برداشته میشود. و یک علت دیگر مخالفت کمیته های اهواز با دکتر مبارزنریمیا و دشمنی آنها چنین مبارزات دکتر بود... دکتر نریمیا را از تاریخ ۵۹/۲/۳ تا روز اعدام در زندان نگهداشتند و تحت انواع ناراحتیها و بیشراتی زندان، خانوادهاش هم از جایش مطلع

چهار پول دوایشان را هم میداد. آخر مگر این مردم میتوانند کسی را که آنهمه ما دقانه در خدمتشان بود از یاد ببرند آخر مگر این مردم میتوانند ساکت باشند و انتقام خونش را از قاتلین اونگیرند.

مرتجعین و نوکران امیرالایم بندانند که زحمتکشان وقتی حاکمان خود را بشناسند از آنان هرگز نمی برند و مرگ دکتر نریمیا برای مردم سوسنگرد و بقیه زحمتکشانی که او را میشناسند اگر چه غمی بزرگ است ولی او ما بیه افتخارشان است خون او انتقام میطلبد. انتقامی که بدست این زحمتکشان گرفته میشود و آن دیر نیست.

در سوسنگرد هم ساواک را حش نگذاشت در آنجا یک شیخ ساواکی (کرمی) که بعد از قیام هم دارای نفوذ فراوان است و از خدمتگزاران دولت جمهوری اسلامی میخواست از دکتر بنفع هوسهای خود سوءاستفاده کند. میخواست از دکتر گواهی برای خنثی کردن کارهای غیرانسانی خود بگیرد اما مگر خدمتگزار خلق میتواند خدمت به ضد خلق بکند. ناچار تحت تعقیب قرار گرفت (در سال ۵۶) و به تهران فرار کرد. برای مخفی کاری در تهران دوباره به دانشگاه رفت و در رشته اروم - لوژی ثبت نام کرد. ولی مبارزه راهش بود و خستگی ناپذیر راهش را ادامه میداد. از دانشگاه اخراجش کردند بجنوب شهر تهران رفت و در درمناگاههای آنجا مشغول شد دوران انقلاب شروع شده بود. خروش توده ها و مبارزه مردم و اعمال وحشیانه رژیم زخمیهای فراوان بجا میگذاشت. شبانه روز با زخمی معالجه میکرد و آنهم مخفیانه و دور از چشم ساواک. بعد از ۱۷ شهریور ۵۷ با هوا بازگشت. آخر در اهواز دکتر کمتر بود - آنانکه او را میشناختند از شواستند به کمک زخمیهای دوران انقلاب در اهواز بشتابید. همه آنها که در اهواز او را میشناسند میداند که در آنکه مریضهای دکتر در خانه ها بودند و از دسترس دستگاه جهنمی ساواک رژیم شاه مخفیانه با معالجه میشدند. در این راه سوال این نبود که تیر خورده و زخمی چه عقیده و مسلکی دارد هدف استقلال و آزادی ایران بود، هدف انقلاب بود و دکتر تمام موجودش را در این راه میگذاشت.

بعد از قیام دوباره بسوسنگرد رفت. به میان زحمتکشان آنجا که منتظرش بودند. دکتر مردم آنجا را خوب میشناخت و نیازشان را میدانست. روزها بسوسنگرد میرفت و شبها با هوا باز میگشت. یک بار در راه بوسیله پاسداران و آدمهای شیخ ساواکی (کرمی) که از قبل از انقلاب در تعقیبش بود مورد حمله قرار گرفت ولی جان سالم بدر برد.

دکتر نریمیا در جریان سیل و زلزله ایده به کمک بیماران حادثه رفت تحت نام تیم پزشکی پیشگام در این جریان و جریان سیل خوزستان شرکت کرد. او خدمتگزار زحمتکشان بود و هر جا که زحمتکشان بیشتر با دنیا زدند بید آنجا میبود. در تمام مدتیکه از طریق پزشکی به زحمتکشان خدمت میکرد و

مورد شکنجه سختی قرار میگیرد بطوریکه تا یکماه در به راه رفتن نبود. در زندان با مبارزین کبیری چون فدائی شهید

مهدی علوی شوستری ۰۰۰

بقیه از صفحه آخر

چوپا نزا ده آشنا میشود. بعد از یکسال ونیم به زندان اوین در تهران منتقل می گردد. بالاخره در سال ۵۶ از زندان شاه آزاد میگردد و چون بسیار ناتوان وضعیف شده بود برای مدتی تحت مداوا قرار میگیرد.

در اوایل سال ۵۷ از آنجا که شدیداً تحت تعقیب ساواک بود، به آمریکا عزیمت میکند. در آنجا فعالانه با نیروهای انقلابی و بخصوص هواداران جنبش مقاومت فلسطین وارد همکاری میشود. پس از پیروزی قیام سرخها به وطن باز میگردد و در ادامه انقلاب میکوشد. در هوازیبه همراه دانشجویان مبارزو سپس با دانشجویان هوادار بیکار فعالانه در راه انقلاب ویاری و آگاهی رساندن به زحمتکشان مبارزه میکند.

در جریان سیل خسوزستان فعالانه به یاری سیلزدگان میپردازد بطوریکه ۳ بار جانش بخطر می افتد. در روز سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ در جریان دفاع از آزادی و حریت دانشگاهها دستگیری میشود و مورد نا جوانمردانه ترس بیناتهامات قرار میگیرد. از همان ابتدا معلوم بود که جانش در خطر است، زمانیکه نام و درکنار شهدای دیگر مؤذن و دانیالسی و حسینیه اعظمها وظا هرمی - گردد.

و بالاخره و درکنار شهید اسماعیل شریمیا بدست دژ-

بود. کلاس دوم دبیرستان بود که فسر را از فسفات جدا کرده و چراغ فسفری میسازد، در سال سوم اسپیرین را سنتز میکند و از زرین کاج تریا - نتین و گلو تان را جدا می - کند.

در تابستان سال ۵۵ در حین بخش اعلامیه همراه دو تن از یاراننش تحت تعقیب قرار میگیرد، ولی تنها او دستگیر میشود. در ادامه رده اطلاعات شهر بانی تحت شدیدترین شکنجهها قرار میگیرد. ۴۸ ساعت به بیضهها بیش وزنه می آویزند، بدرخت طناب پیچش میکنند، جریان برق از نقاط حساس بدنش عبور میدهند، ناخنهایش را می - کشند و بیرونی زخمها اسید می - ریزند، ولی او کسسه در راه آزادی ستمدیدگان عهد و پیمان بسته بود از فشای نامیاریانش خودداری میکند. پس از آزادی تا سال ۵۳ به فعالیت مخفی خود ادامه می - دهد.

در کلاس ششم دبیرستان بود که در سر جلسه امتحان دستگیر می کنند. در ۳ سال فعالیت مخفی خویش دست به اختراعاتی میزند. یک قفل صوتی اختراع میکند که بوسیله صوت مخصوصی باز و بسته میشود. دستگاه گیرنده و فرستنده ای با برد ۵۰۰ متر میسازد که بوسیله آن امواج بی سیمهای پلیس و ارتش را کنترل میکرد.

پس از دستگیری مجددا

حمله به چادر اتحادیه ۰۰۰

بقیه از صفحه آخر

فاشیستی صورت میگیرد. عوامل امپریالیسم و ارتجاع که هم در ارگانهای مملکتی در مدارج بالا و پائین نفوذ کرده اند، وهم از خارج از آن به خرابکاری، آتش سوزی و ایجا دجوهرج و مرج و تفرقه و نفاق افکنندن مابین نیروهای مترقی اعم از مذهبی و غیر مذهبی مشغولند. برای جلوگیری از این اقدامات فدا نقلایی و زمینه ساز کودتا و هرج و مرج باید فوراً به پای سرکوب منابع فدا نقلایی و ارتجاعی رفت. باید فوراً "مرتجعین و ضد انقلابیون، چه آنها که در ارگانهای مملکتی لانه کرده اند، و چه آنها که در بیرون از این ارگانها به فعالیت مشغولند، شبکه های فعال شده ساواک که به لطف عفو رژیم جمهوری اسلامی آزادانه به خرابکاری مشغولند و... فوراً" از طرف مردم شناسایی شده و به محاکمه کشیده شده و مجازات شوند. باید هشیاری خود را بیافزائیم، شبکه های فعال شده ساواک را تحت نظر گرفته و شناسایی کنیم، فدا انقلابیون را در هر مقام و موقعیتی و در هر لباسی که هستند افشاء کنیم، و هر حرکت مشکوک و فدا نقلایی را افشاء و محکوم سازیم!

زندان آتش گرفت. اشتعال آتش آنقدر زیاده بود که همه محتویات چادر در یک لحظه خاکستر گرد و خسارات زیادی ببار آورد. مرتجعین از تا - ریکی شب استفا ده کرده و چادر را تا ما "به نفت یا بنزین آغشته و بهمراه یک وسیله آتش زای دیگر چادر را آتش زدند و درسیاهی شب نا پدید گرا - دیدند.

کسانیکه مرتجعانه به ستاد هواداران "اتحادیه... " حمله کردند همگان کسانیکه هستند که شب قبل از این واقعه انبار خواربار (رشن خانه) نفتون را آتش زدند، و همان کسانی اند که در دهات خرمن دهقانان ستم دیده را طعمه حریق میکنند. (ناگفته نماند که بلافاصله پس از آتش سوزی، رفت و آمدهای مشکوک و غیر طبیعی پاسداران و نگاه کردنها ی مشکوک تر آنها و متوقف نشدنشان جهت پرس و جو، هر کسی را به سؤال و میداشت که اگر دستشان در کار نبوده است چرا تحقیق برای دستگیری عاملین آن نمی کنند!؟)

این حرکتها ی مشکوک و تفرقه افکنانه بدون شک توسط عمال جیره خوار آمریکایک، شاه مخلوع و بختیارو جهت تدارک یک کودتای

کمک های مالی خود را بهر

طریق ممکن ارسال نمائید

خیمان خلق بجوخه اعدام سپرده میشود. عمر کوتاه او و سراسر مبارزه بسود، او ایران است!

یادشان و آرمانشان جاودان باد!
مرگ برد ز خیمنان خلق!
مرگ برتسلیم طلبان و سازشکاران!
مرگ بر آمریکای وحامیان داخلی اش!

شوراهای کارگری تحت

حمله

بقیه از صفحه آخر -

کردند، وضع شرکت به هم خورده و کارگران آن بین ۵ تا ۷ ماه و بیشتر حقوق خود را دریافت نکردند. تا پس از تلاشهای زیاده و تظاهرات و تحصن توانستند مقدار زیادی از حقوق خود را بگیرند. بیشتر کارگران در آن زمان افغانی و بلوچی بودند که رفتند.

بعد از مدتی دوباره شرکت شروع به استخدام کرده و مشغول کار شد. کار شرکت درست کردن ساختمان برای ارتش بود که بعد از مدتی وقفه دوباره شروع بکار کرد. شرکتی بزرگ با وسایل فراوان که تعدادی از وسایل آن را بعد از انقلاب سپاه پاسداران و شهرداری وجها دسا - زندگی بردند. در حال حاضر نزدیک به ۱۸۰۰ نفر کارگر دارند که اکثر ابومی و عمدتاً از دهات اطراف هستند (مسجد سلیمان).

از سه ماه قبل تا حالا حقوق کارگران را پرداخت نکردند و مثل اینکه دوباره میخواهند حق کارگران را بخورند! و بعد از مدتی مقداری پول به آنها داده و اخراجشان کنند، به ایمن بهانه که کار نیست، مصالح نداریم، و در این موقع طرح گسترش را پیش کشیدند.

طرح گسترش به ایمن صورت است که کارگران را به گروه های ۱۰-۱۵ نفری تقسیم کرده و یک مسئول دارند و هر گروه کاری انجام میدهد و به میزان کارشان حقوق میدهند. و روزی هم که

● "... پس کوحامی مستضعفین؟ ما هرجا میگردیم پیدا نمیکنیم! ... من با بنی صدر حضوری در مورد خواسته های کارگران صحبت کردم ولی فقط حرف زد و دیگه هیچ!"
● "برای گرفتن حق باید جنگید یا بکشند یا بکشیم!"

دیدند روز ۲/۴/۵۹ دست به شایعه پراکنی زده و وعده می دادند که: ما حقوق را میدهیم و گفتند که در شرکت دارند حقوق میدهند و کارگران بروند و حقوق بگیرند. یا اینکه: شورای شما کمونیستی است و در دست یکی کتاب کمونیستی دیده اند. بین کارگران بحث در گرفت. عده ای می گفتند: در ما فقط حقوق نیست اول باید وضع شرکت را معلوم کنند. شاید پول را داده و بعد بگویند کار نیست و اخراجمان کنند. عده ای هم باور کرده میخواستند بروند شرکت که اعضای شورا برای کارگران صحبت کرده و گفتند ما چند نفر را میفرستیم تا ببینیم این حرف درست است یا نه. چند نفر رفتند و وقتی برگشتند گفتند که دروغ است و فقط چند نفر از عوامل کارفرما آنجا بودند. چند تن از کارگران و اعضای شورا در این مورد و افشای عوامل کارفرما و اینکه چرا مقامات مسئول نمی آیند به وضع آنها رسیدگی کنند و اینکه یکی از کارگران به علت گرسنگی و بیماری در گذشت برای کارگران سخن رانی کردند. و برای فردا یعنی ۳/۴/۵۹ اعلام راهپیمایی به سمت شهر میکنند. همان روز دوا تویوس پرپاسد را از دزفول و اهواز می آورند. شورا و تعدادی از کارگران شب در فرمانداری میمانند. در حدود ساعت ۴ شب است که یک اتوبوس پاسداری به محل فرمانداری آمده و به کارگران که خواب بودند یورش برده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می -

دهند و وعده های از آنها را زخمی کرده و وعده ای را با خود به سپاه پاسداران میبرند. و به علت گرما و تشنگی تقاضای آب می کنند که به آنها آب هم نمی دهند. بعد از مدتی آنها را رها میکنند. پاسداران حمله کنند دزفولی و اهوازی بودند. این حرکت سپاه پاسداران و مقامات، خشم کارگران را برانگیخت. کارگران میگفتند حق ما را نمیدهند کتکمان هم میزنند. این است دفاع از مستضعفین، این است بوسیدن دست کارگران.

روز ۳/۴/۵۹ در محل فرمانداری جمع شده و با خشم و نفرت از عمل شب گذشته شروع به راهپیمایی کرده، راهپیمایی را شورا ترتیب داده و از همه مردم و نیروهای انقلابی خواسته شد که از آنها پشتیبانی کنند. راهپیمایی به درگاه کار شرکت نفت رسید، چندین نفر از کارگران جلورفته و راه را باز میکردند. در همین حین یک ماشین که بلند کوداست و از طرف بازار به طرف فلکه پیش بانک ملی می آمد و میگفت: "کارگران پرسیزیون بروند شرکت که دارند حقوق میدهند" کارگران جلوی او را گرفتند و گفتند چرا دروغ میگوئی پول نمیدهند. که منجر به درگیری میشود و فرد مزبور را میزنند، او هم خودش را داخل ماشین میاندا زد و میرود. در این موقع صف تظاهرات کنندگان به فلکه رسید و وارد مرکز شهر شد و شعار میدهند: مرگ بر سر - ما یه دار، مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع، حقوق حق مسلم ما است - حمایت از کارگران نبرد با آمریکا است، اینست آزادی ما، گلوله بر سینه ما، ادامه انقلاب نبرد با آمریکا است، اتحاد اتحاد کارگران اتحاد علیه حقوق میدهند. و روزی هم که

شوراهای کارگری تحت

حمله

پا سدا ر دز فولسی ،
پا سدا را هـوازی ،
اخراج با یدگـردد ،
کارگر ، کارگر ستون
انقلاب است ، ساواکی
دشمن انقلاب است .

بقیه از صفحه ۱۹

در این موقع یک ما شین شرکت که دست یک پاسدار بود میخواهد بگذرد و همینطور می آید روی جمعیت که کارگران جلوی او را گرفته می . گویند این مال شرکت است آنها چرا میبرند و به ما شین حمله کرده و شیشه آنرا می شکنند و پاسدار را کتک زده و از ما شین بیرونش میکنند . همه کارگران بخاطر شرب گذشته و اینکه به آنها تهمت آمریکا می و ضدا انقلاب زدند خشمگین هستند و پاسدار روپا هرکس دیگری که بخواد هدمان آنها شود کتکش میزنند . کارگران را نمی شود کنترل کرد ، خشم سراپای آنها را فرا گرفته و فریاد میزنند ؛ اینست آزادی ما گلوله بر سینه ما ، سازش هرگز - گسترش هرگز - نه سازش ، نه تسلیم ، نبرد با آمریکا - توطئه ، اخراج محکوم است ، محکوم است ، حمایت مردم از کارگر پرسیز - یون اساس وحدت ما است - ابودر ، ابودر ، دشمن سرما - به دار ؛ ماده ۳۳ ، ماده ۳۳ ، الغاء با یدگردد ؛ قانون کار سابق الغاء با یدگردد ؛ اتحاد اتحاد اساس وحدت ما است .

در فلکه نمره یک شایع میکنند که به دکانها کردند و عده ای به سمت دکانها رفتند آنها میخواهند با این کار کارگران را پراکنده کنند ولی نتوانستند (از وسط شهر افراد پاسدار رووا بسته به آنها با لباس شخصی بین کارگران آمدند) .

صف تظاهرات به مسجد میرسد در میدان مسجد یکی از اعضاء شورا برای کارگران صحبت میکنند در همین موقع درگیری هایی بوجود می آید که کارگران با هم وبا شورا بحث میکنند که محل تحصن اینجا باشد یا جای دیگر ، چون اول قرار بود که در مسجد تحصن کنند ، به علت درگیری ها عده ای میگفتند ممکن است همین طور کارگران را پراکنده کنند و اینجا بیشتر آسب پذیر هستیم و حمایت مردم کمتر بخورد و بیم محل تحصن را تغییر دهیم ، بعد از مدتی بحث و گفتگو محل تحصن را بیرون فرمانداری انتخاب کردند ، چون شب گذشته که حمله کردند فرمانداری را از کار کارگران گرفتند و افراد مسلح شهر با نی را گذاشتند که کسی داخل فرمانداری نشود .

داخل و بیرون مسجد بحثهای زیادی بین کارگران و شورا و ربانی اما جمعیه شهر و مردم بر سر مسائل کارگران در گرفت و ربانی می خواست که کارگران را بهمین گرفتن دوسه ماهه و طرح گسترش راضی کنند که کارگران مخالفت کردند ، در ضمن در این مدت یعنی از موقعی که کارگران به محل مسجد رسیدند ، کارشکنی عده ای و درگیری ها برای مدتی کنترل کارگران را از دست شورا خارج کرد و میرفت که حرف ربانی غالب شود ولی کم کم شورا توانست آنها را کنترل کرده و بگوید که فردا در بیرون فرمانداری جمع شوند .

در مدتی که کارگران در مسجد بودند یکی از مسئولین شرکت که با ربانی آمده بود میخواست صحبت کند که کارگران او را پائین آورده و کتکش زدند ولی عده ای او را دوره کردند و از مسجد بیرون بردند ، حرفهای بین کار

گران و ربانی ردوبدل شد و کارگران او را زیر سؤال گرفتند و او میگفت که من عمل شب گذشته را محکوم میکنم ولی هیچ به نتیجه ای نرسیدند و کسی از او قبول نمیگردد . در حیات مسجد کارگری میگفت : " برای گرفتن حق با ید جنگید یا بکشند ، یا بکشیم " .

روز ۴/۴/۵۹ کارگران در فرمانداری جمع میشوند ، داخل فرمانداری افراد شهر با نی با ۳ ایستاده اند ، کارگران در مورد خواسته های خود وضع زندگی خودشان صحبت میکنند ، بعد از مدتی ربانی پیدایش میشود و میگوید : " من رفتم دنبال کارشما و با مسئولین شرکت صحبت کردم و گفتند که اخراج نمیکنند ، با بقیه کاری و حقوقتان را هم میدهند ، ولی با یدیک بر که را ا مضاء کنید " . یک برگ از جیبش در می آورد و متن آنرا می خواند و میگوید : " از این ببعد شما دیگر بطریق گسترشی کار نمی کنید و بیرون حقوق را از شرکت بگیرید " . که صدای کارگران در آمده و اعتراض میکنند و در همین موقع مقداری از آن برگها را در آورده و بین کارگران پخش میکنند و دوباره جو را متشنج میکند ، عده ای که زیاده آگاه نبودند از بی پولی و گرسنگی باور کردند و می خواستند بیرون شرکت و حقوق بگیرند ، که کارگران آگاه از این طرح را برای کارگران روشن میسازد ، که اول حقوق سه ماهه حق ماست و هیچ چیزی را ا مضاء نمیکنیم و با ید طبق معمول حقوق خود را بگیریم و ما نمی دانیم این طرح گسترش چیست و بعد چه خواهد شد ، یکی از اعضاء شورا گفت " ا مضاء کردن این برگ یعنی ا مضاء کردن حکم اخراجی خودتان " و صحبت های دیگر که با ید به نتیجه نمی رسد و

سورا های کارگری تحت

حماله

کت ما یک شرکت هلندی با سرمایه ۳۲۵ میلیارد دلار است و هلند یک کشور امپریالیستی. و ما خواستیم و گفتیم که اموال این شرکت باید مصادره شود و لوسی

بقیه از صفحه ۲۵.

نگذاشتند و کارشکنی کردند و طرف آنها را گرفتند. پس کو حاشیه میگردیم پیدا نمیکنیم و من با بنی صدر حضوری در این مورد و در مورد خواسته های کارگران صحبت کردم و لوسی فقط حرف زد و دیگر هیچ. " در نیایان، کارگران را تشویق به حمایت از سورا کرد. بعد از سخنرانی کارگران برای اودست زدند و همه به وجد آمدند که نماینده بایند این طور باشد! سخنرانی این کارگزاران شیرخوبی بر روی روحیه کارگران گذاشت و کارگران شعار سورا، حق مسلم ما است - سازش هرگز، کسترس هرگز را دادند. چند نفر از کارگران صحبت کردند و بعد قرار شد سورا با هیئت مدیره و مسئولین مذاکره کنند. این که چکار کنند و به این طرح چه جوابی بدهند و سورا چه تصمیمی میگیرد بعد نتیجه را اعلان خواهند کرد و قرار شد فردا ۵/۴/۵۹ کارگران در تشکیلات شرکت جمع شوند.

در حاشیه

۱ - نکته قابل توجه این که در طی این چند روز کارفرما و عوامل کارفرما و سپاه با سداران و مسئولین سهر به عناوین مختلف میخواستند و میخواستند که سورا را از کارگران جدا کنند، از طریق تهمت زدن و... که تا حالا این نقشه ها نگرفتند و کارگران از سورا حمایت میکنند. کارگران شرکت خوب میدانند

ربانی میروند. سورا گفت ما خودمان می آئیم صحبت میکنیم تا قضیه را روشن کنیم و بعد به کارگران اعلام میکنیم. کارگران گفتند ما سورا داریم و هر چه که سورا گفت. در همین موقع یکی از اعضاء سورا از یک کارگر که نماینده شرکت ویل کون- اینترناشنال (یک شرکت هلندی که به همین سرنوشته طرح گسترش دچا شدند) دعوت کرد که در این باره سخنرانی کند. این کارگر خیلی خوب ماهیت این طرح را برای کارگران روشن کرد. در قسمتی از حرفها پیش گفت: " این طرح جدیدی است که بعد از انقلاب بوجود آمد و میخواهد ما کارگران را مهار کند. کارگران همین شرکت ویل کون... و شرکت دی در نزدیکی سوئتر و ویسک شرکت دیگر که در حدود ۳۵۰۰ کارگر بودند دچا همین طرح گسترش شدند و تعداد ۲۰ هزار و خرده ای از کارگران حالا بیکار هستند و علت این امر چنین توضیح داده و گفت: " چرا شرکت ها سد کو... حق بیکاری میگیرند ولی کارگران شرکت هلندی ما حق بیکاری هم نمیگیرند؟ علت چیه، فقط اتحاد آنها اتحاد استند ولی ما نداستیم و آنوقت شما دنبال آقای ربانی میروید. شما باید دنبال سورا خودتان بروید. این گسترش فقط جدا کردن شما کارگران از هم دیگر است. " این کارگر در مورد اخراج خود رای آب و برق اشکاری کرد و در مورد شرکت خودشان که یک شرکت هلندی است گفت: " سورا

که شورای واقعیشان حاشیه منافع آنها است و سورا هم تا بحال زحمات زیادی کشیده است.

۲ - در یکی دور زاول تحصن کارگران همه پراکنده بودند. بعضی داخل و بعضی بیرون فرما نداری بودند و یک انجمن مدرست نداشتند و سورا سعی زیادی در جمع آوری آنها و صحبت کردن با آنها را نداشت و در چند مورد که میخواست این کار را بکنند خالی از اسکا ل نبود. در این گونه مواقع با پیدا از جمعها کارگران استفاده کرد و وسط جمع آگاهی کارگران را بالا برده و موضوعاتی پیش کشید که کارگران خسته و دلزده شوند مثلا دعوت و حضور نماینده کارگران یک سرکب دیگر که بدام طرح گسترش امتداد و بیکار رسیده بودند، از دست آوردن های خوب سورا است.

۳ - روز سوم راه - بیمانی بود. با سورا راه - بیمانی را میتوانست بهتر سازماندهی کند. سورا در بعضی از مواقع حالت قهر کردن به خود میگرداند و در چند مورد کنترل کارگران از دستشان خارج میشد. مثلا در مسجد که درگیری هایی رخ داد و دربار نی آخوند آموه و برای کارگران صحبت میکرد که میخواست مسیر مبارزه آنها را منحرف کند، سورا در دست نمیدانست چکار کند. و در روز بعد (۵/۴/۵۹) موقعی که ربانی آمد با لایحه جورا منسج کرد. که اینها از ضعف سورا و عدم آگاهی کامل از روان - سنا سی کارگری است. و علت دیگر این که کارگران عمدتاً یا سواد ندارند و یا کم سوادند و سطح آگاهی بالایی ندارند، و بیشتر از دهات اطراف هستند.

"حقیقت"
ارگان اتحادیه
گه نویستهای ایران
را بخوانید و در
میان مردم پخش
کنید.
گه گهای مالی
خود را به هر طریق
ممکن ارسال کنید

۴ - کارگران جملگی به سورا معتقد و خیلی خوب از آن پشتیبانی میکنند و این

پشتیبانی کارکنان نفت از اقدامات انقلابی

'شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز'
مردم شرافتمند اهواز!

هما نظور که کم و بیش اطلاع دارید شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز از زمتی پیش اقدام به پاکسازی افراد جانی و وابسته به رژیم خائن پهلوی کرد. که با کارشکنی های زیادی روبرو شد. از جمله این افراد سنگ انداز زمین فرمیبا شند که تا آنجا که در قدرت داشت از جریان پاکسازی این افراد جلوگیری کرد. و نمایندگان شورا با مراجعت مکرر به تهران با تمام مقامات مسئول تماس گرفته و پیرونده های افراد شامل پاکسازی را در اختیار آنسان گذاشت. که متاسفانه هیچگاه این امر صورت نپذیرفت. تا آنجا که نمایندگان شورای مرکزی صنعت نفت اقدام به جلوگیری از ورود افراد به محل کارشان کرده و در مدد قطع حقوق و مزایای آنان نیز میباید. این افراد خائن که ضد انقلاب واقعی و مطمئنا در رابطه با توطئه های امپریالیسم آمریکا مشغول انجام کارهای هستند، مانند علی اشرف گرامی که با همکاری حکومت نظامی طراحی سرکوب و اعتصابات کارکنان نفت را ریخته بود. حتی بعضی از این افراد بخارج از ایران فرار کرده ولی هنوز حقوق و مزایای از سرکت نفت دریافت میکنند. لازم به یادآوری است که شورای مرکزی تصمیم به فضای اسناد و مدارک موجود در رابطه با این افراد خائن را دارد. لذا از کلیه همشهریان عزیز تقاضا داریم بخاطر تدابیر مبارزه ضد امپریالیستی و جلوگیری از هرگونه توطئه عوامل داخلی آن (امپریالیسم) با پشتیبانی قاطع خود از اقدام شورای مرکزی وظیفه انقلابی خود را انجام دهیم. دریایان از شورای مرکزی کارکنان صنعت نفت مصرا نه خواستار افشای هر چه زودتر مدارک خیانت عناصر پاکسازی شده هستیم.

عده ای از کارکنان نفت

۵۹/۴/۲

هما نظور که خوانندگان عزیز و کارگران قهرمان اطلاع دارند، از حدود ۹ ماه پیش "شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز" اقدام به پاکسازی و تصفیه بیش از ۶۰ تن از عوامل ساواک و وابسته به رژیم شاه مملوع نموده است. ولیکن در راه این اقدام انقلابی از طرف کلیه مقامات مسئول کارشکنی به عمل آمده است. این اقدام انقلابی مورد تائید اکثریت سکننده کارکنان صنعت نفت میباشد. عده ای از کارکنان صنعت نفت با مدور اطلاعیه ای، رای این اقدام انقلابی بستی - پاسی کرده و از مردم اهواز نیز خواهان دفاع از این حرکت شده اند.

که راهس را تا بیروزی نهائی خواهیم رفت.

مرکز بردر حیمان حسینی

مرکز برتسلیم طلبان و مبارزان

مرکز برآمریکا و حامیان داخلی

اتحادیه کمونیستهای ایران - اهواز

۵۹/۴/۱۱

دوساره آسمان انقلاب ایران عاودا به سد

بقیه از صفحه ۱۷

نشود.

دوروز قبل از محاکمه دکتر کارکنان "دادگاه انقلاب اهواز" یک محصل ساخکی برآه انداختند و با ملاح خواستار طاعت سسر بودند. همیطور در همان روزها بهیسی رئیس دیوان عالی کشور "عمو شورای انقلاب" به اهواز آمد تا بکار دادگاهها رسیدگی کند و ارکار دادگاهها اظهار رضایت کرد. در همین زمانها با دسر رئیس جمهوری از طرف خانواده دکتر نماین گرفته شده بود و به بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی هم جریان اطلاع داده شده بود.

..... کارکنان خواستار محاکمه علمی او بود. بهیج کدام را پس در خواستها سوخته شد. سرانجام در ساعت ۳ با صدای روز جمعه ۵۹/۴/۶ دکتر را همراه با مهدی علوی دانشجوی مبارز هوا داربیکا روحمدی دیگر سربازان کردند.

جسزه دکتر را وسی خانواده اش تحویل گرفتند پهلوی او بوسیله دستها سرنیردنگا منده بود و کلیه تن بیسرون اعتقاد بود. در بیسیسی آنها ضرب و شتم شده بهیج... جای ۸ گلوله در بدنش دیده شد... در صورتی آنها را لیخنه هنوز وجود داشت. لیخنه ای که حاکی از امیدواری به پیروزی انقلاب بود. امیدواری به پیروزی زهمکنان، لیخنه بمرگ، امید به

تا مجلس کساره

بقیه از صفحه ۲۳

به مراسم ودیعی افساء و طرد کنند.

حزب جمهوری اسلامی و دارودسته بنی صدر میخواهند ما را با زیجه قدرت طلبی و دسته بندی های خودمان بکنند. مریب آنها را نخوریم و به خودمان ونیروهای واقعا انقلابی منگی باسیم. ملت ایران انتقام خون شهدای خود را با ادا صد و تشدید مبارزه بر علیه آمریکای جنایتکار و تمام عمل وهم - دستان داخلی او سازگار و تفرقه افکنان خواهد گرفت!

اتحادیه کمونیستهای ایران - اهواز

۵۹/۴/۵



بچه های محل هم بدببال آن بطرف کميته سرازير شده بود ند. در راه مردم با ما ابراز همستگي مي- کردند و خطاب به ما -

حمله به کما بفرسي هاي باري آباد

عالمين کسار

بقيه از صفحه آخر

حال بايد برسيد چه کساني به اين توطئه ها با مي دهند؟ عملا به آن کمک ميکنند؟ چه کساني بجاي افشاي ليست سا- واکي ها و محاکمه و مجازاتشان آنها را عفو کردند تا به جنايات سان ادا مدهند و بجاي آن دسته دسته دانشجويان و کارگران مبارزان بيزندان انداختند و يا اعدام کردند؟ چه کساني بجاي دميدن به آتش خشم ملت بر عليه آمريکاي جنايتکار و نوکران داخليس مردم را در دانشگاه و کارخانه و خيابان به جان هم انداختند؟ چه کساني بجاي مبارزه با دشمنان ملت به سرکوب سروهاي انقلابي پرداختند؟ مگر اعمال و توطئه هاي تفرقه افکنانه حزب جمهوري اسلامي که يک نمونه اش از زبان "آيت" بيرون آمد به همين اعمال جنايتکارانه آمريکا کمک نمي- کند؟ مگر حمله به سوراها در کارخانه ها و سرکوب کارگران، مبارزان خلق کرد و غيره که بنی صدر خيلي بي مينا زد بر هم زدن وحدت ملت نيست و به آمريکا خدمت نمي کند؟ آقای غرضي استاندارد خوزستان در سخنرانيش بر سر مزار شهدا بجاي تشنه گرفتن آمريکاي جنايتکار رومز دوران و جاسوسان داخليس چرا خصمانه ترين حمله ها را بر عليه "مجاهدين" و "حيپها" متوجه کرد؟ چه کساني به ملت ميگويند دشمن تونه آمريکا بلکه مجاهد و جوبي است؟

مستولين امرجاي مقابله با عالمين جنايات بمب کذاريها تنها بلدندان فرصت استفا ده گنند و به بها نه اينکه دگه هاي فرونده هاي بي حيز گنار خيابان ميتواند براي بمب گذاري مورد استفا ده قرار گيرند تا آنها را ببرند؟! ماضی تسليم به خانواده هاي شهداي واقعه غمانگيز انفجار بمب و مردم ايران به ملتمان هشدار ميدهيم وحدت خود را حفظ و مسحکم کنند و سلاح را بسوي دشمنان اصلي بگيرند. تفرقه افکنان را در هر رنگ و لبياي و بقيه در صفحه ۲۲

مان را به کميته مرکز بفر- بگويم اينکه در کميته به نما- ستند. ۲ نفر دستگير شده به- بندگان ما گفته بودند که يکي همراه ۴ نفر نماينده به- از حاجي هاي با زار دوم سکايتي کميته مرکز رفتند و بقيه به- داشته بوده و چند نفر ديگر هم محل خود مان با زکستيم در- زير آنرا امضاء کرده بودند که همين هنگام چند نفری که- کتابفروشان خدا نقلابيند و آگاهتر نبودند و کارکنه تر- مزاحم کاروکسب مردم" حالا سيسنها دايجا دشوراي کتاب- فهميدند چرا در ابتدا گفتم که خفا شان شت برست با آگاه- گدن مردم مخالفتند. در ضمن ما هم استنها دي نوشتيم مبنی بر اينکه ما خدا انقلاب نبوده و مزاحم کار هيچکس هم نيستيم و عده زيادي از مردم زير آنرا امضاء کردند و ما آنرا همراه سکايتي عليه آن حاجي بخاطر تهمت ناروا به کميته داديم! * بدليل اريکي ارکتاب مروان باري آباد *

بيم دارسنا حه رسیده خورسند. آري کساي که حافظان ما- فح سر و صمدان و مسکبرينند و منافعتان مي طلبد که مردم را در با آکا هي نکهدارند تا اربابانسان بسوا سدخون ما را نيسه گنند. و حالا که به برکت انقلاب شکوهمند و مقدس مردم ايران امکان اين فراهم شده که ما در محلات بائين و به راحتی به کتاب- هاي مذهبي مترقي و علمي دسترسي پيدا کرده و آکا هي خود را بالا ببريم، خون خون آنها را ميخورد و هر آن دنال بهانه اي ميکردند تا اس جويبارهاي آکا هي راهم بروي ما ببسند و ولي هيها که ما آزاديهاي با خون بدست آمده را تا پاي جان حفظ خواهيم کرد. بهر حال صبح رور چهار رشنبه ۴ سر ماه رسيد و ما موران کميه سراع دوس از کتا بفرسان محله ما آمدند و قصد گرفتس آنها را کردند که کليه کتا بفرسا که از قبل همه ما هم عهد کرده بوديد بطرف ما موران کميه رفسد و گنند که اگر ميخواهد دوسان ما را سرب ما راهم بايد سربيد. هر آن بر تعداد جمعيت افزوده ميکرديد و اسفا مت و اسفا دکتا بفرسا کميته اي ها را از حرکت سار داشنه بود کار به جايي رسده بود که ما موران کميه از سد از دهام مجبور سنده همگي را با هم به طرف کميه بسريد، دو سرف دوست ما به همراه ما موران کميه از خلوص طوبل ما

موران کميه ميگفتند "اگر راست ميگوئيد بيرويدگران - سورها را دستگير کنند، چرا سحهاي مردم را براي فروش کتاب ميگيريد." تا بالاخره به جلو کميته رسيديم و در آنجا کميته ايها از ترس "نخريب" محلمان ورود ما جلوگري کردند و خطاب به ما گفتند چند نفر از بين خود بعنوان نماينده انتخاب گنيد و ما ۴ نفر را انتخاب کرده و به درون فرستاديم. دوسان نماينده ما در درون کميه شروع به اسما گري سموده و گفتند "اگر شما راست ميگوئيد سرويده اس و اكيهارا که همين ديرو در حيا بان مراسم بطهرا ب بنفع شاه داسه اس را دستگير کنيد، بروند آن مرجعيس و عنا صر و اسه اي را که بر روی ديوار ها سار بخياري مينويسند و رادوهاي صدا بقلابي را سلع ميکنند دستگير کنيد بروند آنهايي را که زمينه ها را براي ايجاد سارايي بس مردم آماده ميکنند و هر روي کرده اي مبرصا سديگيريد و اگر و اسفا در فکر انقلاب مردم هستيد کساي را که در فکر کودتا بيد و يا زمينه آنرا ميسارند محازاب گنند و...". اسما گري هاي دوستان ما مورافتا دو عده اي ارباس- داران زحمتکس حرفهاي دوسان ما را تا ثيد ميکردند و بسا حا ر آنها که ريکي در کفس داسد و از اين حرفها نازا ح- مسدند بصميم گرفته دوسان-

مهدی علوی شوشتری ★ دانشجوی شهید



آغا زکرد. کلاس هفتم بود که به تهران رفت و در تهران با یک دستگاه تکثیر اعلامیه دستگیر میشود. در این موقع در ارتباط با گروه "آرمان خلق" به فعالیت مشغول بود. هفت ماه در زندان و در زیر شکنجه گذارند و برای ادامه مبارزه آبدیده گشت. بعد از آزادی به اهواز بازگشت و در یک کارگاه مشغول شده و در عین حال به تحصیل خود نیز ادامه داد. مهدی شهید از نبوغ فوق العاده ای برخوردار بود. بقیه در صفحه ۱۸

شهید مهدی علوی شوشتری در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۲ در اهواز بدنیا آمد. اگرچه در خانواده ای مرفه بدنیا آمد، ولی خیلی زود با دردها ورنجهای ستم دیدگان جامعه آشنا گشت و از نوجوانی در راه آزادی آنان کوشید. از کودکی کنج او و حساسیتی فوق العاده به محیط اطراف خود نشان میداد. به مطالعه علاقه زیاد داشت. در کلاس چهارم دبستان نمازهای نوشت و خودش هم آن را اجرا کرد. مهدی از کتابهای معلم شهید و جاب و بید صمد و تبلیغ آنها

عاملین این انفجارات و کشتار مردم پید فاع و بی گناه چه کسانی هستند؟

با ردیگرستان توطئه گرا مبریا لیسما ز آستین جناب - بیتکاران ساواک و مزدوران یعنی بدرآ مدو با عث کشته و زخمی شدن عده ای از مردم زحمتکش و طمان شد.

روز سه شنبه حوالی ساعت ۱۱ بعد از ظهر در خیابان سعدی اهواز بمبی منفجر شد که حدود ۱۱ تن کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی بجای گذاشت این جنایت گریزناک و خشم بحق مردم شرافتمند اهواز را بر علیه عاملین خونخوار آن برانگیخت. شبکه های ساواکی، دارو دسته های جاسوس و خراب کار مرتبط با بختیا روزیبه در خارج، مزدورانی که با امثال مدنی دریا دار آریا - مهتری که هنوز راست راست میگرد و سران شاه پرست و آمریکا پرست ارتش چون فلاحی و ظهیر نژاد مربوطند عاملین این جنایتند و هم برای آمریکا کار میکنند. هدف این حرکات جنایتکارانه برهم زدن شور و ایستادگی ملت در برابر مبریا لیسما، درهم ریختن وحدت مسردم و زمین چینی برای کودتای خونینی بزعلیه انقلاب مردم ایران است.

بقیه در صفحه ۲۲

حمله به کتابفروشی های نازی آباد

شوراهای کارگری تحت حمله

با ردیگر کارگران پرسیزیون دست با اعتماد و تطاهرات ردد شرکت پرسیزیون یک شرکت اسرائیلی بوده که سها مداران قیام که سها مداران آن فرار عمده آن اسرائیلی هسا و بقیه در صفحه

چه کسانی چادر ستاد تبلیغاتی هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران در مسجد سلیمان را آتش زدند؟

ساعت ۱۲ نیمه شب یکی از چادرهای ستاد هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران "در مسجد سلیمان در یک چشم بهم بقیه در صفحه ۱۸

از روز قبل در اطراف بازار دوم نازی آباد عده ای میگفتند که کمیته قصد دستگیری کتابفروشها را کرده است. آخرجا هلان ویرجمداران ظلمات و ناآگاهی از اینکه شمع های هر چند کوچک در درون دالانهای تاریک اجتماع یعنی محلات زحمت کشی بر فروخته گردند و سا روشنائی خود مردم و جوانان محلات جنوب را آگاه ساختند و کمکی در جهت برآه انداختن ماها برای احقاق حقوق خود باشند، بیم دارند. آرزو خفاشان شب سیاه و تاریک از درخشیدن ماه هم در آسمان بقیه در صفحه ۲۳